رویدادهای مهم جهان در سال ۲۰۰۵

بهرام رحمانی
bamdadpress@telia.com

با آرزوی سعادت و بهروزی و پیروزی در سال نو!

در سال گذشته، در اثر سیاست‌های جهانی‌سازی اقتصاد، محرومیت‌ها در جامعه بشری افزایش یافت. بر صف بیکاران جهان افزوده شد. فرودستی زنان ادامه یافت. کودکان کار زیادتر شدند. جنگ آمریکا و متحدانش در افغانستان و عراق از یک‌سو و گروه‌های تروریستی اسلامی و ناسیونالیست‌ها از سوی دیگر قربانیان زیادی از مردم کشورهای زیر اشغال نظامی گرفت. دولت نژادپرست اسراییل، به اشغال فلسطین و سرکوب و کشتار مردم این سرزمین ادامه داد .

کره زمین در اثر جنگ‌ها، آزمایشات و تفاله‌های اتمی، به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی و شیمیایی، دودکش‌های کارخانه‌ها، سوخت وسایل نقلیه فرسوده و سوانح به اصطلاح طبیعی، مانند هیولایی ده‌ها هزار انسان را در کام خود بلعید و محیط زیست و زندگی بشر و دیگر موجودات زنده را تخریب نمود.

در سالی که گذشت سوانح کار، قربانیان زیادی از کارگران گرفت که با به کارگیری وسایل ایمنی کار می‌شد مرگ و میر کارگران در محیط کار را به حداقل رساند.

بنا به گزارش خبرگزاری‌ها، در سال ۲۰۰۵، ۱۱۲ هزار نفر فقط بر اثر «بلایای طبیعی» جان خود را از دست دادند و در مجموع بیش از ۲۹۰ میلیارد فرانک، خسارت مادی بر اثر این بلایا برجای ماند. بدین ترتیب سال ۲۰۰۵، به عنوان پر هزینه‌ترین سال تاریخ ثبت شد.

نود درصد کشته‌شدگان سال ۲۰۰۵، در آسیا به ثبت رسیده، اما ۸۸ درصد خسارات مادی را آمریکا داشته است. طبق برآوردهای انجام شده طوفان کاترینا، ۱۷٤ میلیارد فرانک خسارت برجای گذشته است.

در سال گذشته شکنجه و اعدام در جهان، گسترش یافت. چین و آمریکا و ایران، به لحاظ آمار بالای اعدام، در صدر لیست کشورهایی قرار گرفتند که در آن‌ها قانون اعدام وجود دارد.

آنچه که در زیر ملاحظه می‌کنید به مهم‌ترین وقایع جهان، اشاره دارد.

*** گزارش سازمان بین‌المللی کار:** سازمان بین‌المللی کار، روز جمعه ۹ دسامبر، در گزارشی اعلام کرد که با وجود رشد اقتصادی جهانی، جهانی شدن فقر را کاهش نداده و به ایجاد شغل‌های جدید و بهتر و کاهش‌دهنده فقر، کمکی نکرده است .

خوان سوماوبا، دبیرکل سازمان بین‌المللی کار، در گزارش خود تصریح کرد: پیام مهم این گزارش این است که تاکنون ایجاد شغل و درآمد بهتر برای کارگران جهان در اولویت‌های سیاست‌گذاری قرار نداشته است. این گزارش که با عنوان «چهارمین ویرایش شاخص‌های بازار کار» منتشر است، می‌افزاید: در حال حاضر نیمی از کارگران جهان آن‌قدر درآمد

ندارند که خود و خانواده‌های خود را از خط فقر که درآمدی معادل دو دلار در روز است، بالاتر ببرند... همچنین تعداد زنان و مردانی که با درآمدی کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند در دهه گذشته کاهش نیافته است.

* **کنفرانس رهبران «گ ۸»:** در کنفرانس سران ۸ کشور، ۸ ژوئن ۲۰۰۵، که متشکل از ۷ کشور صنعتی و قدرت‌مند و روسیه است، بیان شد که «وجود فقر در جهان سوم لکه‌ای است بر وجدان آگاه جهان.»

این کنفرانس به طور رسمی برای مبارزه با فقر خوانده شد. مشکل فقر در «جهان سوم» آن‌چنان شدت گرفته است که روزانه در حدود ۳۰۰۰۰ انسان را به کام مرگ می‌کشاند. از مهم‌ترین دلایل فقر عریان، بالا بودن قروض این کشورهاست. قروضی که فشارش بر گرده شهروندان است. در فاصله سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۰٤ قروض کشورهای فقیر جهان سوم، از ۷۰۰ میلیارد دلار به ۲/۳۵ تریلیون دلار افزایش یافته است.

این فقر به سادگی می‌توانست برطرف شود. برای مثال دولت آمریکا، سالانه ٤۰۰ میلیارد دلار برای تسلیحات نظامی هزینه می‌کند. با ۳۲٤ میلیارد از این مبلغ، قروض کشورهایی را که اوضاعشان وخیم‌تر از بقیه است را پرداخت کرد.

هزینه اشغال عراق، سالانه در حدود ۵۰ میلیارد دلار است. جامعه بین‌الملل تخمین زده است که با این مبلغ می‌توان با برنامه‌ای برای توسعه در سرتاسر جهان دسترسی به آب آشامیدینی، آموزش پایه‌ای همگانی، خانه‌های زنان، پیشگیری‌های بهداشت و سلامتی، غذا، تاسیسات کمک‌رسانی چون بیمارستان و درمانگاه‌ها، فاضلاب برای جلوگیری از بیماری‌های واگیر و تخلیه آب‌های آلوده و فضولات، و... را تاسیس کرد.

هیچ‌کدام از این خواست‌ها را کنفرانس سران ۸ کشور برآورده نکرد و هرگز به طور جدی مبارزه با فقر در جهان سوم انجام نگرفت.

کشورهای‌های(گ ۸) یا کنفرانس رهبران ۸ کشور صنعتی جهان، یعنی کشورهایی که در تمامی جهان دخالت اقتصادی، سیاسی، و نظامی دارند و عامل بسیاری از رشد و گسترش فقر و فلاکت اقتصادی و مسلح کردن و آموزش ارتش‌ها و پلیس‌های جهان و عامل جنگ‌ها و لشکرکشی در جهان هستند، در هر شرایطی، تنها به فکر منافع اقتصادی و سیاسی خود هستند.

* **ششمین اجلاس سازمان تجارت جهانی:** وزرای ۱٤۹ کشور عضو سازمان تجارت جهانی، روز سه شنبه ۱۳ تا ۱۸ دسامبر ۲۰۰۵، در میان تدابیر شدید امنیتی از بیم اعتراض مخالفان در هنگ‌کنگ برگزار شد. طرفداران تجارت جهانی می‌گویند توافق تازه می‌تواند رشد اقتصاد جهان را تقویت کند و مشاغل را افزایش دهد، اما منتقدان می‌گویند هرگونه توافق تازه به کاهش اشتغال در کشورهای در حال توسعه می‌انجامد و به فقرا لطمه می‌زند. در اجلاس هنگ‌کنگ، توافق شد به ٤۹ کشور بسیار فقیر جهان اجازه داده شود به بازارهای کشورهای ثروت‌مند دسترسی داشته باشند، بدون آن که تعرفه گمرکی بپردازند. با این حال، آن‌ها تنها یك درصد از کل تجارت جهان را تشکیل می‌دهند. در واقع این نشست بدون نتیجه نهایی به پایان رسید. گفته شده است احتمالا مذاکرات طرف سه ماه به ژنو انتقال یابد تا در مورد مسایل کلیدی گشایش بازارها به روی فرآورده‌های کشاورزی، کالاهای صنعتی و خدمات توافق شود. هدف این است که مذاکرات تا آخر سال ۲۰۰٦ خاتمه یابد.

در طول نشست هنگ‌کنگ، مخالفان تظاهرات بزرگی را سازمان دادند که بنا به گزارش خبرگزاری‌ها، تا پایان یافتن اجلاس وزیران اقتصاد کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، در جریان بود. براساس گزارش پلیس هنگ‌کنگ، طی یك هفته اعتراض و تظاهرات مخالفان جهانی‌سازی، پلیس ۹۱۰ نفر از مخالفان جهانی‌سازی را دستگیر کرد. همچنین ۱۳۰ نفر در جریان اعتراضات مخالفان جهانی‌سازی زخمی شدند که ٦١ نفر از آنان نیروهای پلیس و ٦٩ نفر نیز از معترضان است. این نشست بدون دستاورد چندانی به پایان رسید.

*** بودجه نظامی کشورهای جهان:** موسسه بین‌المللی تحقیقات صلح در سوئد، با انتشار گزارشی در اوایل ماه ژوئن ۲۰۰۵، در مورد هزینه نظامی کشورهای جهان در سال ۲۰۰٤، میزان این هزینه‌ها را بیش از هر سال دیگری از زمان جنگ سرد تخمین زده است که از نظر ارزش واقعی و با محاسبه نرخ تورم تنها اندکی کم‌تر از بالاترین رقم بیست سال اخیر است. هزینه‌های نظامی در سال ۲۰۰٤، بیش از ٦ درصد رشد کرد که با نرخ رشد آن در دو سال قبل از آن، یعنی پس از حملات انتحاری یازده سپتامبر در آمریکا، تفاوت چندانی نداشته است. یکی از علل افزایش هزینه ارتش‌های جهان در سال ۲۰۰٤، افزایش بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا در راستای سیاست‌های آن کشور در «مبارزه با تروریسم» عنوان شده است. به گزارش خبرگزاری‌ها، سنای آمریکا، لایحه بودجه نظامی ٤٥٣ میلیارد دلاری سال ۲۰۰۵ را تصویب کرد. سهم بودجه نظامی آمریکا در جمع هزینه‌های نظامی جهان، به حدود ٤٧ درصد و سهم بریتانیا و فرانسه هر کدام به ٥ درصد می‌رسد. دولت‌های خاورمیانه همچنان از خریداران اصلی تسلیحات هستند و بر هزینه‌های نظامی خود می‌افزایند. هر چند روند افزایش بودجه‌های نظامی در سایر کشورهای جهان نیز به چشم می‌خورد.

بنا به آخرین گزارش یونیسف در روزهای آخر سال ۲۰۰۵، سالانه در سراسر جهان بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار صرف تسلیحات و تجهیزات نظامی می‌شود و آمریکا به تنهایی نیمی از این هزینه‌ها را به عهده دارد، در حالی ۱۰ میلیون انسان سالانه جان خود را بر اثر فقر و کمبود امکانات بهداشتی از دست می‌دهد.

*** بالا رفتن بی‌سابقه قیمت نفت:** از اوایل سال ۲۰۰۵، قیمت نفت به طور بی‌سابقه‌ای بالا رفت و به ۷۰ دلار رسید. سقف تولید رسمی اوپك ۲۸ میلیون بشکه است، ولی در حالا حدود ۳۰ میلیون بشکه در روز تولید می‌کند. در حال حاضر قیمت نفت در مرز ٦٠ دلار است.

ایران، چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت جهان با چهار میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز و دومین عضو بزرگ سازمان کشورهای صادرکننده نفت «اوپك»، بعد از عربستان سعودی است. براساس پیش‌بینی واحد اطلاعات اکونومیستEIU ، درآمد نفتی ایران در سال ۲۰۰۵، در حدود ٥٠ میلیارد و ۳٥۹ میلیون دلار و در سال سال ۲۰۰٦ نیز ٤٦ میلیارد و ٤۹۲ میلیون دلار برآورده شده است. اتحادیه اروپا، با تراز تجاری بیش از ۲٥ میلیارد دلار، بزرگ‌ترین شریك تجاری ایران است. اما با این وجود اکثریت مردم ایران، به ویژه کارگران در فقر و فلاکت به سر می‌برند و حتا دستمزد صدها هزار کارگر نیز به موقع پرداخت نمی‌شود.

*** وضعیت کودکان:** در بسیاری از کشورهای جهان، ۲۰ نوامبر را به عنوان روز کودك انتخاب کرده‌اند. این انتخاب یکی به مناسبت تصویب اعلامیه حقوق جهانی کودك در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۸ و دیگر به سبب آن است که کنوانسیون حقوق کودك نیز ۳۰ سال پس از رویداد اول، یعنی در روز ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ است که از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد گذشت. در این روز معمولا در بسیاری کشورها جشن می‌گیرند و درباره مسایل مربوط به کودکان نیز سخنرانی‌ها و گزارشاتی منتشر می‌شود.
بنا به آمارهای رسمی، هم‌اکنون یك میلیارد کودك در جهان ما زیر خط فقر با گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند. ۲۵۰ میلیون از این شمار ناچار به انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا هستند. ۱۲۰ میلیون کودك دسترسی به مدرسه ندارند و ۱۵۰ میلیون از گرسنگی مفرط در رنجند... در شمال نیجریه، هنوز دختران را زنده به گور می‌کنند. در عراق، در هر لحظه و هر روزه ده‌ها کودك در اثر انفجار بمب جان می‌دهند .
آژانس نیروی انسانی سازمان ملل، با صدور بیانیه‌ای از کار کردن یك میلیون کودك در معادن جهان خبر داده است. در این بیانیه آمده است: یك میلیون کودك در سراسر جهان برای کمك به تامین معیشت خانواده‌هایشان مجبورند در شرایط نامناسب و خطرناك در معادن کار کنند.
در ایران، کودکان زیر ٦ سال ۹ میلیون و شمار جمعیت زیر ۱۸ سال حدود ۲۷ میلیون تخمین زده می‌شود. آمارهای رسمی و قابل اتکایی درباره وضعیت و شرایط کودکان در ایران ارائه نمی‌شود، اما گفته می‌شود ده‌ها هزار کودك خیابانی در این کشور وجود دارد و صدها هزار کودك نیز برای کمك به خانواده‌های خود اجبارا به کارهای خطرناك و سخت وادار می‌گردند. بنا به اقرار رییس آموزش و پرورش استان مازندران، در سال جاری تحصیلی فقط در این استان، ۹۰ هزار دانش‌آموز ترك تحصیل کرده‌اند و حبیب‌الله بوربور، معاون وزیر آموزش و پرورش نیز گفته است: از ٤٤٥ هزار کلاس درس کشور، حدود ۱۲۳ هزار کلاس تخریبی هستند و آموزش و پرورش برای نوسازی این تعداد کلاس تخریبی خطرآفرین نیازمند یك هزار میلیارد تومان اعتبار است.
سایت بی‌بی‌سی، ۲۲ نوامبر ۲۰۰۵، به نقل از «سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی» نوشت، سالانه نزدیك به شش میلیون کودك به دلیل گرسنگی یا سوءتغذیه می‌میرند. گزارش سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی، براساس اطلاعاتی که سال گذشته تهیه و گردآوری شده، شمار مبتلایان به سوءتغذیه را در خلال سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ حدود ۸۵۲ میلیون نفر تخمین زده است. شمار افرادی که در کشورهای حاشیه جنوبی صحرای آفریقا به سوءتغذیه دچار هستند، از ۱۷۰ میلیون و چهارصد هزار نفر به ۲۰۳ میلیون و پانصد هزار نفر افزایش یافته است.
بنا به گزارش مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، فقر و گرسنگی روزانه جان بیش از ۳۰ هزار کودك را در جهان می‌گیرد. براساس آمارهای این مرکز، اکثریت ۰۰۸ میلیون گرسنه در جهان نیز کودکان هستند که بیش‌تر آنان بر اثر گرسنگی و کمبود امکانات درمانی جانشان را از دست می‌دهند.
علاوه بر این‌ها، به گزارش یونیسف، بیش از ۳۰۰ هزار کودك در جنگ‌های نقاط مختلف جهان به عنوان سرباز به کار گرفته می‌شوند. ۲۵ میلیون کودك نیز به علت تاثیرات جنگ دچار انواع بیماری‌های جسمی و روحی شده و سال‌ها از تاثیرات آن رنج می‌برند.

در آخرین گزارش یونیسف، که در تاریخ ۲٤ آذر ماه ۸٤_۱۵ دسامبر ۲۰۰۵، در روزنامه شرق انتشار یافته است، صدها میلیون کودك در سراسر جهان بر اثر قاچاق یا کارگری در کشورهای مختلف ناپدید می‌شوند. یونیسف، در این‌باره نوشت: کودکان ناپدید شده، عموما از معابر عمومی، خیابان‌ها، خانواده‌های فقیر، قاچاق، خشونت‌های داخلی و... به مکانی نامعلوم برده می‌شوند. از آن‌سو که هیچ مرجعی در کشورها این وضعیت را مورد بررسی دقیق قرار نمی‌دهد باید هر چه سریع‌تر کشورها نسبت به رسیدگی به این امر و تصویب مجازات علیه سوءاستفاده‌کنندگان از کودکان تدبیری بیندیشند. بسیاری از کودکان در معرض خطر از خانواده‌های مشکل‌دار هستند، تعداد زیادی از این کودکان در کشورهای در حال توسعه متولد می‌شوند که بیش از نیمی از این کودکان امکان دریافت شناسنامه ندارند... براساس همین آمار ۱۷۱ میلیون کودك در مناطق خطرناك مجبور به کارهای سخت هستند و صدها هزار کودك در جنگ‌ها مجبور به فعالیتند.
بنا به آخرین گزارش صندوق حمایت او کودکان سازمان ملل(یونیسف) در حالی که سالانه ۲/۵ میلیارد دلار برای حفظ جان فقیرترین انسان‌های جهان صرف می‌شود، در صورت صرف سالانه یك میلیارد دلار بیش‌تر می‌توان جان ۱۰ میلیون انسان دیگر را حفظ کرد، یا غذای ۷۰ میلیون کودك گرسنه در جهان را تامین کرد.
*** وضعیت زنان:** نتایج یك تحقیق بین‌المللی درباره خشونت خانوادگی علیه زنان نشان می‌دهد که یك ششم زنان به دست شوهر یا شریك زندگی خود قربانی خشونت شده‌اند. سازمان بهداشت جهانی، در اولین مطالعه جهانی خود درباره این موضوع نتیجه گرفته است که در هر ۱۸ ثانیه یك زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می‌گیرد و حتی باردار بودن چندان زنان را از خشونت مردان مصون نگه نمی‌دارد.
این سازمان اظهار کرده است که این معضل جهان شمول، ریشه‌دار و عمدتا در تمام جوامع پنهان است. محققان دریافته‌اند که از شکستن استخوان گرفته تا تجاوز، خشونت خانوادگی در همه جوامع غنی و فقیر به چشم می‌خورد و حتی بسیاری از زنان فکر می‌کنند مردان در شرایطی خاص حق اعمال خشونت دارند.
این مطالعه طی هفت سال صورت گرفته و ۲٤ هزار زن از آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکای لاتین در آن شرکت داشته‌اند. این تحقیق قبلا در آمریکای شمالی صورت گرفته بود. سازمان بهداشت جهانی، خواستار اقدام فوری علیه خشونت خانوادگی شده است.
همچنین به گزارش خبرگزاری فرانسه به نقل از آمارهای ارائه شده در اجلاس عمومی سازمان دفاع از قربانیان خشونت سازمان ملل، سالانه ۵۰۰ هزار زن با بهانه ناموس در سراسر جهان کشته می‌شوند. این گزارش می‌افزاید، آمارهای تکان‌دهنده در مورد خشونت علیه زنان در کشورهای پیشرفته نیز وجود دارد به صورتی که سالانه فقط ۳۰۰ زن در فرانسه به وسیله همسران یا مردان دیگر کشته می‌شوند و این آمار در کشور اسپانیا نیز حدود ۱۰۰ زن در سال می‌باشد.
در گزارش فوق، آمار خشونت علیه زنان در ایران، ٦۰ درصد اعلام شده و اشاره شده است که ۷۰ درصد این خشونت‌ها از سوی قربانیان بیان نمی‌شود.
بنا به اظهار رییس اداره بهداشت و روان وزارت بهداشت جمهوری اسلامی، حدود ۲۱ درصد، یعنی ۱۵ میلیون نفر در ایران در هر لحظه از یك کسالت روانپزشکی رنج

می‌برند که ١٤ درصد آن را جوانان تشکیل می‌دهند و از این تعداد به طور میانگین حدود ٢٥/٩ درصد آن را زنان و ١٤/٩ درصد را مردان تشکیل می‌دهند.
بنا به گزارش صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل نشان می‌دهد که در حال حاضر ٩٠ میلیون کودك دختر در جهان از حق تحصیل محروم هستند. یونیسف، در گزارش خود می‌افزاید: در ٤٦ کشور جهان، کودکان دختر مانند پسران از حق تحصیل برخوردار نیستند و تفکر متحجرانه از جمله ازدواج اجباری دختران در سنین پایین عامل اصلی محرومیت کودکان دختر از حق تحصیل است.
طبق برآوردهای پژوهشی، زنان خانه‌دار در جهان، محروم‌ترین بخش زنان هستند. یك زن خانه‌دار بدون فرزند در هفته، ٥٦ ساعت و زن خانه‌دار دارای ٢ فرزند ٧٣ ساعت در هفته کار می‌کند، در حالی که در بسیاری از کشورها مانند ایران، به زنان خانه‌دار هیچ‌گونه حقوق و بیمه بیکاری تعلق نمی‌گیرد.
برای مثال، بنا به گزارش سازمان آمار ایتالیا، طی سال ٢٠٠٥، بیش از یك میلیون زن کارگر در این کشور، پس از بچه‌دارشدن از سوی کارفرمایان اخراج شده‌اند. آمارهای سازمان یادشده نشان می‌دهد که ٧٨ درصد مردان ایتالیایی، از کمك به همسرانشان در امور خانه، خودداری می‌کنند.
سالانه سه میلیون دختر در آفریقا و خاورمیانه، ختنه می‌شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که ارتکاب این عمل غیرانسانی، سنتی مربوط به هزاران سال پیش است و هنوز هم رواج دارد. به گفته «مارتا ساتور پیز»، رییس بخش تحقیقی کمك به افراد بی‌دفاع یونیسف، مبارزه با ختنه زنان یك عملکرد جدی است که بالاخره ثمر می‌بخشد. با افزایش دانش انسان‌ها می‌توان اندیشه عمومی را علیه این عمل تغییر داد. رشد فکری افراد، جامعه را به سلاح دانش و آگاهی مسلح می‌کند و قبح این عمل مشخص می‌شود. در این قبایل عقیده عمومی بر این است که ختنه دختران یك عمل شایسته و مطابق سنت‌های قدیم است که نشانگر زیبایی، عفت، قدرت ازدواج، آبروی اجتماعی و پاکدامنی هر دختر است. پس والدین برای نمایش پاکدامنی و آبروی خانوادگی خود علاقه‌مندند که این عمل حتما روی دخترانشان انجام شود. طبق آمار یونیسف، عملیات ختنه زنان و یا به عبارت دیگر نقض عضو زنان در ١٨ کشور در مناطق آفریقا و خاورمیانه انجام می‌شود و حدودا ١٣٠ میلیون دختر و زن قربانی این سنت نادرست هستند. طبق آمارهای قبلی سالانه دو میلیون دختر مجبور به تحمل این شکنجه بوده‌اند. لیکن به رغم اطلاع‌رسانی‌ها و مبارزات با این عمل غیرانسانی، آمار جدید دختران محکوم به این حماقت بشری را سالانه سه میلیون نفر گزارش کرده‌اند. البته گزارشات امیدبخشی نیز در مورد کم شدن این عمل در بعضی جوامع مانند مصر به ثبت رسیده است.
از سویی، براساس گزارش سازمان ملل متحد پیرامون «وضعیت جمعیت جهان در سال ٢٠٠٥»، نابرابری جنسی یکی از عوامل اصلی فقر و جدا افتادگی اجتماعی بوده و وجود تبعیض، با محروم کردن نیمی از بشریت برای تحقق کمال ظرفیت خود به گونه‌ای بارز، سرمایه‌های انسانی را تباه می‌کند. این در حالی است که هم‌اکنون ٦٠٠ میلیون زن _دو برابر مردان_ در جهان بی‌سواد هستند و بسیاری از کودکان از کودکان فقیر و به ویژه دختران از تحصیل محرومند و اگر چه دسترسی به آموزش ابتدایی افزایش یافته، اما فقط ٦٩ درصد دختران جنوب آسیا و ٤٩ درصد دختران آفریقایی ماوراء صحرا دوره

ابتدایی را به پایان می‌رسانند... گزارش‌های سازمان ملل همچنین حاکیست در حالی که بیش از ۱/۷ میلیارد زن ۱۵ تا ۴۹ سال در جهان در سال‌های باروری عمر خود هستند، مشکلات بهداشت باروری سالانه ۲۵۰ میلیون سال زندگی مولد را از بین می‌برد.

*** تجارت انسان در جهان:** هر ساله به طور معمول حدود دو میلیون دختر در سنین ۵ تا ۱۵ سال در بازارهای قاچاق معمول شده و فروخته می‌شوند. تعدادی از آن‌ها توسط باندهای فحشاء، مجبور به تن‌فروشی می‌شوند.

طبق آمارهای رسمی اعلام‌شده از سوی دولت آمریکا، سالانه ۱۷ هزار و ۵۰۰ زن و کودك به این کشور قاچاق می‌شوند، این در حالی است که آمار رسمی در برابر آمارهای واقعی بسیار کم‌تر است. بنا به گزارش پایگاه اینترنتی «IC» مطابق آمارهای موجود قاچاق انسان به یکی از پرسودترین تجارت‌های بین‌المللی تبدیل شده است، به صورتی که در حال حاضر بیش از ۲۷ میلیون زن و کودك در نقاط مختلف دنیا به عنوان برده جنسی تحت استثمار هستند.

براساس این گزارش، سالانه حداقل ۸۰۰ هزار زن و کودك از مرزهای بین‌المللی برای فروش در کشورهای ثروت‌مند و به کارگیری آنان در مراکز تن‌فروشی قاچاق می‌شوند.

آمارهای رسمی نشان می‌دهد که قاچاق زنان و کودکان با هدف به کارگیری آنان در مراکز برده‌داری جنسی سالانه ۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برای قاچاقچیان درآمد دارد.

استیو واگنر، رییس برنامه مبارزه با قاچاق انسان می‌گوید: برده‌داری در آمریکا، دوباره رونق پیدا کرده است و همانند آمریکای اولیه‌ای که سیاه پوستان را برای کشاورزی به بردگی می‌گرفتند آمریکایی‌های امروز زنان و کودکان را به بردگی جنسی می‌گیرند.

نامبرده ضمن دروغ خواندن آمارهای اعلام شده از سوی دولت آمریکا، در رابطه با قاچاق انسان گفت: آمارهای واقعی قاچاق انسان به آمریکا هرگز کم‌تر از ۵۰ هزار نفر در سال نبوده و حتی بسیار بیش‌تر از این آمارها می‌باشد. وی افزود: در حال حاضر بیش از ۳۰۰ هزار زن و کودك آمریکایی در خود این کشور در معرض استثمار و بردگی قرار دارند.

قربانیان بیماری ایدز: بنا به گزارش خبرگزاری «آسوشیتدپرس» و به نقل از آمارهای ارائه شده سازمان ملل، از آغاز سال ۲۰۰۵، ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در کشورهای آفریقایی به بیماری ایدز مبتلا شده‌اند. آمارهای سازمان ملل نشان می‌دهد که اکثر مبتلایان به ایدز در سال ۲۰۰۵ جوانان و کودکان بوده‌اند.

در آفریقا ۳۰ میلیون انسان به بیماری کشنده ایدز مبتلا هستند و سال گذشته ۳/۵ میلیون نفر از ایدز مردند که ۴۵ درصدشان کودك بودند.

*** قربانیان حوادث کار:** بنا به گزارش سازمان جهانی کار، روزانه ۵ هزار کارگر بر اثر حوادث محل کار و یا بیماری‌های مربوطه به کار در جهان جانشان را از دست می‌دهند.

براساس این گزارش، مرگ ناشی از حوادث و بیماری‌های مربوط با کار در جهان به دو میلیون و دویست هزار مورد در سال می‌رسد که نسبت به ۳ سال گذشته ۱۰ درصد افزایش داشته است.

گزارش فوق می‌افزاید، کارگران در اقتصادهای صنعتی، در معادن و در معرض مواد شیمیایی و خطرناك قرار گرفته‌اند و سالانه ۴۴۰ هزار کارگر به این دلیل و بیش از ۱۰۰ هزار کارگر نیز به علت ابتلا به بیماری‌هایی مانند «مالاریا» و قرار گرفتن در معرض «آزبست» جانشان را از دست می‌دهند.

در پایان این گزارش آمده است، بنا بر تحقیق این سازمان، ۲۸ میلیون کارگر هم بر اثر ابتلا به بیماری ایدز در سراسر جهان جانشان را از دست داده‌اند.

*** چند نمونه از بیکارسازی‌ها و تهدید فعالین کارگری در جهان:**

_ به گزارش خبرگزاری «فرانسه» شرکت جنرال موتورز آمریکا، قصد دارد ۳۰ هزار شغل خود را حذف و برخی از کارخانه‌هایش را تعطیل کند تا شاید بتواند در بازار آمریکای شمالی احیا شود. ریك واگونر، مدیر اجرایی این شرکت در نود و ششمین مجمع عمومی سهامداران اعلام کرد که این تعدیل نیرو، حدود دو و نیم میلیارد دلار در سال صرفه‌جویی خواهد کرد. همچنین میلیاردها دلار از مزایای و حقوق بهداشتی کارگران نیز کاهش خواهند یافت. در سال ۲۰۰٤ که جنرال موتورز، تنها سه میلیارد دلار و ۷۰۰ میلیون دلار درآمد داشت، بازوی مالی این شرکت که به خریداران وام با بهره می‌دهد، دو میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار سود داشت. انتظار می‌رود سود خالص این واحد دست‌کم دو و نیم میلیارد دلار باشد. مدیران شرکت یاد شده اعلام کرده‌اند که در صورت اخراج کارگران و کاهش هزینه‌های بهداشتی تا پایان سال ۲۰۰٦، بیش از ٦ میلیارد دلار صرفه‌جویی خواهد شد.

_ براساس گزارش روزنامه «ایندیپندنت»، از سال ۱۹۹۷ تا پایان سال ۲۰۰٤، بیش از یك میلیون و ۵۰۰ هزار کارگر در کشور انگلیس از سر کار اخراج شده‌اند.

_ بنا به اعلام یکی از مسئولان رژیم جمهوری اسلامی، بحرانی که صنایع مختلف تولیدی و صنعتی استان قزوین را فراگرفته، ۱۵ هزار کارگر شاغل در ۲۰ واحد تولیدی کوچك و بزرگ با با خطر بیکاری روبه‌رو نموده است. در گزارش دیگر طی فقط در طول دو ماه، ۸۰۰ کارگر کارخانجات شهرستان پاك‌دشت از سر کار اخراج شده‌اند. براساس اعلام رییس سازمان صنایع و معادن استان قم، به دنبال بحران در واحدهای تولید کفش در این استان، طی ماه‌های گذشته ۷۰ واحد تولید کفش تعطیل شده و حدود ۸۰۰ کارگر نیز بیکار شده‌اند.

بنا به گزارش کمیته استاندارد سازمان بین‌المللی کار، در حال حاضر یك هزار و ٤۰۰ واحد تولیدی در ایران با بحران مواجه هستند که بیش‌تر این واحدها از بخش نساجی است. بنا به همین گزارش در یك سال ۹۳ هزار کارگر در ایران بیکار شده‌اند.

_ براساس کمیته استاندارد سازمان بین‌المللی کار، در حال حاضر ۸۰ هزار کارگر در ایران با مشکل عدم دریافت حقوق مواجه هستند.

_ شرکت «اوراکل» آمریکا، به دلیل خرید سهام شرکت رقیب خود «پیپل سافت» و برای تامین هزینه این خرید، ۵ هزار کارگر و کارمند خود را اخراج می‌کند. براساس پایگاه اینترنتی بی‌بی‌سی، این شرکت اعلام کرده است ۱۰ درصد از کارگران بخش تولید و پشتیبانی «پیپل سافت» را بعد از خرید سهامی آن اخراج خواهد نمود. ۵۵ هزار کارمند و کارگر در این دو شرکت بزرگ آمریکایی مشغول کار هستند و با این سیاست، ۹ درصد از کارمندان و کارگران آن بیکار می‌شوند. شرکت‌های نامبرده تولید کننده نرم افزار هستند.

_ بنا به خبر منتشر شده در روزنامه «اشپیگل»، مسئولین شرکت «فولکس واگن» آلمان اعلام کرده‌اند قصد دارند به منظور صرفه‌جویی در هزینه‌ها ۱۰ هزار کارگر خود را اخراج نمایند. همچنین فلکس واگن قصد دارد کارخانه تولیدی خود در آلمان را نیز به دیگر

کشورهای اروپایی منتقل نماید که در این صورت هزاران کارگر دیگر نیز بیکار خواهند شد.

_ بنا به گزارش روزنامه «وال استریت جورنال»، شرکت خطوط هوایی «دلتا ئایرلاینز» که سومین شرکت بزرگ هواپیمایی در آمریکا می‌باشد، قصد دارد ۹ هزار نفر از مزدبگیران خود را اخراج کند. بنا به این گزارش، شرکت یاد شده، برای جلوگیری از ورشکستگی و همچنین برای رسیدن به ۵ میلیارد دلار صرفه‌جویی سالانه، در نظر دارد که ۹ هزار نفر از کارکنان خود را اخراج کند.

_ به گزارش روزنامه اقتصادی «اسکانسمن» مسئولین شرکت الکترونیکی «سونی» ژاپن، در نظر دارند ۱۰ هزار کارگر این شرکت را از سر کارهایشان اخراج نمایند. ٤ هزار نفر از کارگران اخراجی این شرکت در ژاپن و ٦ هزار کارگر دیگر در کارخانه‌های دیگر کشورها خواهند بود، ضمن این که ۱۱ کارخانه از ٦٥ کارخانه شرکت سونی نیز تعطیل خواهند شد. مسئولین شرکت سونی، این اقدام را در راستای صرفه‌جویی در هزینه-ها اعلام کرده است.

_ بنا به گزارش شبکه اول تلویزیون فرانسه، رییس شرکت برق فرانسه اعلام کرد که این شرکت در راستای صرفه‌جویی در هزینه‌ها ٦ هزار کارگر را از سر کار اخراج می‌کند...

_ بنا به اظهار «شاهر سعد»، دبیرکل اتحادیه‌های کارگران فلسطین، رژیم اسراییل در ٥ سال گذشته، یک میلیارد و ٥٠٠ میلیون دلار به کارگران فلسطینی ضرر رسانده است. شاهر سعد، که به مناسبت روز جهانی کارگر ۲۰۰٥، با خبرگزاری‌ها گفتگو کرده است، گفت، سیاست‌های امنیتی رژیم اسراییل، در ٥ سال گذشته باعث بیکاری ۱۲۰ هزار کارگر در بخش ساختمانی، ۳۰ هزار کارگر در بخش نساجی و ٤٠ هزار کارگر در بخش گردشگری فلسطین شده است. نامبرده افزود، طی همین مدت، ١٦٥ کارگر فلسطینی توسط نیروهای اسراییل کشته شده، ٦٧٦ کارگر زخمی و ۸ هزار کارگر نیز دستگیر و زندانی شده‌اند. شاهر سعد، میزان بیکاری در مناطق فلسطنی را ٤٩ درصد جمعیت این کشور اعلام کرده است.

***ایران کشوری خطرناك برای اتحادیه‌های کارگری:** کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری برای اولین بار در گزارش سالیانه خود از ایران به عنوان یکی از خطرناك‌ترین کشورهای جهان برای اتحادیه های کارگری نام برد.

این کنفدراسیون که در بروکسل، پایتخت بلژیك مستقر است ایران را از لحاظ امنیت اتحادیه‌های کارگری در ردیف کشورهای کلمبیا، بلاروس، برمه، کامبوج، چین، دومونیکن، هائی‌تی، نیجریه، فیلیپین، ترکیه، ونزوئلا و زیمبابوه قرار داده و فعالیت در اتحادیه‌های کارگری را در این کشورها خطرناك دانسته است. کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری که از سال ١٩٤٩ میلادی سابقه فعالیت دارد از ٢٣٤ اتحادیه کارگری از ١٥٤ کشور جهان تشکیل شده که در مجموع ١٥٤ میلیون عضو دارد.

بنا به گزارش این کنفدراسیون، در کشور کلمبیا یك سال ٩٩ فعال کارگری به قتل رسیده و صدها تن دیگر تهدید به قتل شده‌اند.

در مورد ایران، گزارش کنفدراسیون حاکی از قتل چهار نفر به دست پلیس و بازداشت ده‌ها نفر و همچنین مواردی از هجوم خانگی و شکنجه در ارتباط با تظاهرات کارگری با

انگیزه‌های صنفی است. در این گزارش از محمود صالحی به عنوان یکی از رهبران اتحادیه‌های کارگری در ایران نام برده شده که چند بار مورد ارعاب مسئولان قرار گرفته و همراه با شش تن دیگر از فعالان کارگری متهم به همکاری با گروه‌های چپگرا شده که در ایران غیرقانونی است.
شایان ذکر است که شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سقز، حکم دستگیرشدگان اول ماه مه ۸۳ سقز را در تاریخ ۱۳۸٤/۸/۲۱ به وکلای مدافع آنان(آقای محمد شریف، و خانم‌ها مهشید محدود و منیژه محمدی) ابلاغ کرد. براساس این حکم، هادی تنومند و اسماعیل خودکام تبرئه و محکومیت سایر دستگیرشدگان اول ماه ۱۳۸۳ سقز عبارت است از:
۱_ محمود صالحی، به «اتهام تجمع غیرقانونی» و تدوین جدول برای هزینه خانواده پنج نفره، به ٥ سال زندان و ۳ سال تبعید به شهرستان قروه، محکوم شده است. اتهام دیگر محمود صالحی، تشویش اذعان عمومی است که به دادگاه عمومی ارجاع شده است. صالحی، از اتهام هواداری از کومه‌له که قبلا در پرونده‌اش ذکر شده بود، تبرئه شده است؛
۲_ سیدجلال حسینی، به «اتهام تجمع غیرقانونی» به ۳ سال زندان محکوم شده است. حسینی نیز از اتهام هواداری از کومه‌له تبرئه شده است؛ ۳_ محسن حکیمی، ۲ سال زندان؛ ٤_ محمد عبدی‌پور، ۲ سال زندان؛ و ٥_ برهان دیوارگر، ۲ سال زندان.
همچنین جمهوری اسلامی، در روزهای پایانی سال ۲۰۰٥، اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد را دستگیر کرد که در اثر اعتصاب رانندگان شرکت واحد در تهران و اعتراض سایر بخش‌های جنبش کارگری، آن‌ها را آزاد کرد.
***روز جهانی حقوق بشر**: کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد، در پیامی به مناسبت روز جهانی حقوق بشر، ۱۰_ دسامبر برابر با ۱۹ آذر_ خواهان احترام دولت‌ها به منع شکنجه شد. کوفی عنان، در این پیام نوشت: پنجاه و هفت سال از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر که تمامی گونه‌های شکنجه، رفتارها و مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز را منع کرده، می‌گذرد، اما هنوز شکنجه به شیوه‌ای غیرقابل قبول متداول است.
وی تاکید کرد: ایام اخیر شاهد روندی آزاردهنده به ویژه از سوی کشورهایی بوده که ادعای موارد استثنا درباره منع شکنجه براساس مفاهیم امنیت ملی خود می‌کنند. وی تصریح کرد: شکنجه هرگز وسیله‌ای برای مبارزه با تروریسم نیست، بلکه شکنجه ابزار ترور است... هیچ دولتی نباید شکنجه را به وسیله عامل ثالثی به اجرا بگذارد. این به معنای آن است که افراد مورد تهدید شکنجه نباید به دولتی که ممکن است آنان را شکنجه دهد، تحویل داده شوند.
*** زندان‌های سری آمریکا در اروپا:** بدنبال انتشار گزارش‌هایی حاکی از وجود زندان‌های سری آمریکا در نقاط مختلف شرق اروپا، اتحادیه اروپا رسما خواستار توضیحات ایالات متحده در این شد.
سخنگوی دولت بریتانیا، گفته است که این کشور، که ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد، این درخواست را با مقامات آمریکایی مطرح می‌کند و افزوده است که گر چه اطلاعات در این زمینه صرفا جنبه اتهام دارد اما مناسب است که اروپا خواستار روشن شدن ابهامات در این زمینه شود.
ایجاد زندان‌های سری در نقاط مختلف اروپای شرقی توسط سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا «سیا»، نخستین بار در نشریه آمریکایی واشنگتن‌پست انتشار یافت. گفته شده است

که پس از حملات انتحاری یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، سازمان‌های اطلاعاتی این کشور تعدادی بازداشتگاه در کشورهای دیگر ایجاد کردند که تاکنون تنها وجود بازداشتگاه گوانتانامو مورد تایید رسمی قرار گرفته است. تحقیقات در مورد بازداشتگاه‌های مخفی بر عهده «دیك مارتی»، سناتور سوئیسی قرار گرفته است. وی به بررسی تصاویر ماهواره‌ای پرداخته که گفته می‌شود نشان‌دهنده مراکزی است که از آن‌ها به عنوان زندان‌های سری استفاده شده است. در میان این تصاویر، عکس‌هایی از تعدادی از پایگاه‌های نظامی متروکه شوروی سابق در رومانی و لهستان نیز وجود دارد.
همچنین، سازمان سیا، در انتقال مظنونین به این بازداشتگاه‌ها از فرودگاه‌های تعدادی از کشورهای اروپای غربی به عنوان محل‌های ترانزیت استفاده کرده است. دولت آلمان گفته است که فهرستی از بیش از ٤٠٠ پرواز هواپیماهای آمریکایی به آلمان و فرود در این کشور را که مشکوك به نظر می‌رسد تهیه کرده و از دولت آمریکا خواسته است در مورد علت رفت‌وآمد این هواپیماها توضیح دهد.
کمیسیون اروپا تهدید کرده است که اگر کشوری از اعضای اتحادیه با دادن اجازه استفاده از خاك خود برای ایجاد زندان‌های مخفی و کاربرد شکنجه در آن‌ها قوانین بین‌المللی را نقض کرده باشد حق رای آن کشور را لغو خواهد کرد.
نیروهای نظامی ایالات متحده در عراق و افغانستان نیز بازداشتگاه‌هایی را در این کشورها ایجاد کرده‌اند. بارها شکنجه زندانیان در این زندان‌ها با تصویر در رسانه‌های گروهی انعکاس یافته است. برای مثال، روز سه‌شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۰۵، یك هفته بعد از پخش نوار حمله شیمیایی به فلوجه با گاز فسفر سفید از تلویزیون ایتالیا، هم‌زمان پنتاگون به استفاده از این گاز به عنوان سلاح اقرار کرد، این بار خبر انداختن بازداشت‌شدگان در قفس شیر نیز از تلویزون بی‌بی‌سی پخش گردید. بنا به گزارش واشنگتن‌پست، شیرزاد خالد ۳۵ ساله و طه صابر ۳۷ ساله، هر دو بازرگان و غیرنظامی‌اند. یکی از آن‌ها از کردستان عراق است و برای دیدار بستگانش به عراق رفته بود. هر دو گفته‌اند از حمله به عراق دفاع کرده بودند. آن‌ها را به شیوه وحشیانه کتك زده و مورد شکنجه قرار داده‌اند و سپس آن‌ها را توی قفس شیر رانده و تظاهر کرده‌اند که به این شیوه می‌خواهند آن‌ها را اعدام کنند. آن‌ها چندین ماه در زندان‌هایی مثل ابوغریب و زندان بغداد نگهداری شدند.
ایالات متحده آمریکا، برای نخستین بار اذعان کرده است که به مقامات صلیب سرخ اجازه بازدید از تمام اسرائی که در اختیار داشته، نداده است. این مطلب را «جان بلینجر»، مشاور حقوقی ارشد وزارت امور خارجه آمریکا، اظهار کرد اما حاضر نشد در مورد این که زندانی‌ها در کجا نگهداری می‌شوند توضیحی بدهد. از سوی دیگر «کاندالیزا رایس»، وزیر امور خارجه آمریکا، در سفر اخیر خود به اروپا، تایید کرد که سازمان سیا، جهت انتقال زندانیان پروازهایی را در اروپا انجام داده، فراکسیون سوسیالیست‌های پارلمان اروپا خواستار تشکیل یك کمیسیون پارلمانی برای تحقیق در این مورد شده است.
۱۵ دسامبر ۲۰۰۵، سایت بی‌بی‌سی، نوشت: جورج بوش، رییس جمهور آمریکا، بالاخره پس از چندین ماه مقاومت، طرح کنگره آمریکا برای ممنوع کردن رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز با مظنونان خارجی تروریسم را پذیرفته است. همچنین گفته می‌شود اکنون آمریکا، زندانیانی را که در زندان‌های مخفی در اروپا نگاهداری می‌کرد، به کشورهای آفریقایی انتقال می‌دهد.

* **افغانستان:** در حالی که آمریکا و متحدانش همچنان افغانستان را تحت کنترل نظامی خود دارند، وضعیت مردم نه تنها بهبود نیافته، بلکه رو به وخامت هم گذاشته است. بنا به گزارش خبرگزاری «صدای افغان» و به نقل از عبدالله فهیم، سخنگوی وزارت بهداشت افغانستان، روزانه ۷۰۰ نفر از مردم این کشور به علت کمبود امکانات بهداشتی جانشان را از دست می‌دهند. به گفته فهیم، در هر روز ۵۰ تا ۷۰ زن به هنگام زایمان جانشان را از دست داده و از هر یك هزار كودك افغانی نیز ۲۷۵ كودك قبل از رسیدن به ۵ سالگی می‌میرد.
به گزارش روزنامه اداره چاپ کابل براساس گزارش منابع کمیسیون مستقل حقوق بشر، ۲۳٤ زن و دختر جوان از ابتدای سال جاری در افعانستان دست به خودکشی و خودسوزی زده‌اند. همچنین برای اولین بار پس از سقوط طالبان در افغانستان، یك زن سنگسار شد. بنا به گزارش روزنامه استاندارد، چاپ اتریش، آمینا، ۲۹ ساله به دلیل حکم روز پنجشنبه ۲۰ آوریل ۲۰۰۵، در دادگاهی در ایالت بدخشان، روز یك‌شنبه ۲۳ آوریل، در انظار عمومی و با حضور پلیس افغانستان سنگسار شد. مردی که با وی مرتکب «زنا» شده بود، به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم و آزاد شد.
* **عراق:** تعداد قربانیان جنگ در عراق، هر روز افزایش می‌یابد. آمارهای رسمی آمریکا، پنتاگون، نشان می‌دهد که نرخ روزانه قربانیان غیرنظامی، در ماه سپتامبر ۲۰۰۵، بیش از هر زمان دیگری طی دو سال گذشته بوده است. براساس این آمار، در ماه سپتامبر ۲۰۰۵، روزانه به طور متوسط ٦٤ غیرنظامی عراقی کشته شده‌اند، در حالی که این رقم در آغاز سال ۲۰۰٤، روزانه ۲٦ نفر بوده است. بیش‌تر این افراد در اثر حملات انتحاری و بمب‌گذاری‌ها جان خود را از دست داده‌اند.
براساس تحقیقات سازمان ملل، در جریان حمله آمریکا به عراق، ۱۰۰ هزار نفر از مردم این کشور کشته شدند و نیروهای اشغالگر هیچگونه اهمیتی به کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر نداده‌اند. بنا به گزارش انسانی عرب در سال ۲۰۰٤ که به طور مشترك توسط برنامه عمران سازمان ملل و صندوق عرب برای توسعه اقتصادی و اجتماعی نوشته شده تاکید می‌کند که مردم عراق در نتیجه حمله به کشورشان از جنگ رژیم مستبدی که حقوق اساسی آن‌ها را نقض کرده بود به اشغال خارجی که رنج‌های آن‌ها را افزایش داده است. غلتیده‌اند. این گزارش می‌افزاید: زنان بیش‌ترین رنج را می‌برند. آن‌ها هنوز در معرض آدم‌ربایی و تجاوز توسط باندهای حرفه‌ای هستند و در برخی موارد گزارش شده است که نیروهای اشغالگر زندانیان زن را مورد سوءاستفاده جنسی قرار داده‌اند .
مسئولان نظامی آمریکا و عراق اعلام کردند بیش از ۱۷ هزار نفر در عراق زندانی هستند و دو سوم از این افراد در زندان‌هایی به سر می‌برند که تحت کنترل و اداره نظامیان آمریکایی قرار دارد .
صدام حسین، رییس جمهوری مستبد عراق، بالاخره هشت ماه پس از سقوط حکومت‌اش، توسط نیروهای ائتلافی به رهبری آمریکا، دستگیر شد و هم‌اکنون محاکمه او در جریان است. گفته شده است که صدام تا پیش از دستگیری در زیرزمینی در شهر زادگاهش، تکریت، مخفی بود. محاکمه صدام، یکی از جنجالی‌ترین محاکمات سال ۲۰۰۵ به شمار می‌آید.

* **استفاده از سلاح فسفری در فلوجه:** آمریکا، پس از تکذیب اولیه در اوایل سال جاری، در ماه نوامبر تایید کرد که از فسفر سفید به عنوان سلاح در فلوجه استفاده کرده است. پل وود، خبرنگار دفاعی بی‌بی‌سی می‌گوید این که آمریکا ناچار شده است تکذیب اولیه خود را پس بگیرد از نظر روابط عمومی يك فاجعه است. سخن‌گوی پنتاگون در گفتگو با بی‌بی‌سی، تایید کرد که آمریکا سلاح‌های فسفری را برای آتش‌افروزی علیه شورشیان به کار برده است اما نه در مقابل غیرنظامیان. در تهاجم ارتش آمریکا در نوامبر ۲۰۰٤ به فلوجه، که گفته می‌شد پایگاه شورشیان سنی مذهب به شمار می‌رفت باعث کوچ بیش از ۳۰۰ هزار نفر از اهالی این شهر شد و در جریان آن بسیاری از ساختمان‌های شهر ویران شدند. همچنین تعداد بی‌شماری از ساکنان فلوجه، جان خود را از دست دادند. فیلم تکان‌دهنده این جنایات بزرگ علیه بشریت، در سایت‌ها پخش شده است.
فسفر سفید، قابلیت اشتغال دارد و در مجاورت اکسیژن می‌سوزد. اگر این ماده به بدن کسی اصابت کند آن‌قدر خواهد سوخت تا اکسیژن آن را تمام کند. پروفسور پل راجرز، از دپارتمان مطالعات صلح در دانشگاه برادفورد گفته است، فسفر سفید، اگر عمدا علیه غیرنظامیان به کار رود می‌تواند سلاح شیمیایی شمرده شود.
* **انفجارهای لندن:** در ساعات بامداد روز پنج‌شنبه ۷ ژوئیه ۲۰۰۵، نوشت، در انفجارهای لندن دست‌کم ٥٦ نفر کشته شدند. ایان بلر، رییس پلیس لندن گفت، تنها در اثر انفجار در اتوبوس در میدان تاویستاك در مرکز لندن، ۱۳ نفر کشته شدند. این انفجارها ۷۰۰ مجروح نیز بر جای گذاشته که حال ۲۲ نفر از آن‌ها وخیم است. بمب‌گذاری‌های لندن، شبکه قطار زیرزمینی و خطوط اتوبوس‌رانی را هدف قرار داده بود. این انفجارها در سه نقطه قطار زیرزمینی و يك اتوبوس روی داد .
چارلز کلارك، وزیر کشور بریتانیا اعلام کرده است، جستجو برای یافتن مسببان به اندازه «یافتن سوزن در انبار کاه» دشوار است. سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا، بیانیه اینترنتی حاوی ادعای مسئولیت این حملات را بررسی کردند که توسط گروه ناشناخته‌ای موسوم به گروه سری جهاد اسلامی در اروپا انتشار یافته است. این گروه علت دست زدن به این بمب‌گذاری‌ها را حضور نظامی بریتانیا و عراق و افغانستان قلمداد کرده است. سرانجام چهار تن «مسلمان» که سه تن از آن‌ها متولد بریتانیا بودند، به عنوان عاملان این بمب‌گذاری‌ها شناسایی شدند.
در این میان اظهارنظر دبیر شورای نگهبان و وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران درباره انفجارهای لندن، جالب و شنیدنی است. احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان جمهوری اسلامی، در خطبه‌های نماز جمعه تهران، این فرض را محتمل دانست که دولت بریتانیا خود انفجارهای لندن را پدید آورده باشد و علی یونسی، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی نیز در نشستی خبری گفت که ممکن است ماموران آمریکایی و اسرائیلی این حملات را انجام داده باشند تا سیاست بریتانیا را که به گفته وی، اجازه می‌دهد چهره‌های شناخته‌شده القاعده در این کشور زندگی کنند، تلافی کنند. سخنگوی وزارت خارجه بریتانیا، گفت: این ادعا موهن و مضحك هستند. همچنین وزارت خارجه بریتانیا به اظهارات دبیر شورای نگهبان و وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی اعتراض کرد.
* **انفجارهای مصر:** ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۵، سه انفجار در بندر شرم‌الشیخ مصر، که تفریحگاه ساحلی بزرگی بر کرانه دریای سرخ است، ۸۸ کشته و بیش از ۲۰۰ زخمی برجای

گذاشت. بسیاری از قربانیان این انفجارها خارجی و تبعه کشورهایی مانند بریتانیا، هلند، ایتالیا، اسپانیا، اوکراین، روسیه، اسراییل، ترکیه، عربستان سعودی، کویت و قطر بودند.
* **انفجارهای اردن:** انفجارهایی در سه هتل عمده شهر امان، پایتخت اردن، دستکم ٦٧ کشته و بیش از ٣٠٠ نفر زخمی شدند. القاعده مسئولیت‌های این انفجارها را برعهده گرفت.
* **انتخابات ریاست جمهوری ایران، ٢٤ ژوئیه:** برای اولین بار نمایش انتخابات ریاست جمهوری در ایران، به دور دوم کشیده شد. در دور دوم انتخابات، اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس جمهوری اسبق و محمود احمدی‌نژاد، از فعالین دانشجویان پیرو خط امام و سازمان‌های اطلاعاتی در دور دوم انتخابات رقیب هم بودند. سرانجام احمدی‌نژاد به پست ریاست جمهوری منصوب گردید. تاکنون دستکم دو بار جوامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا و... در برابر موضع‌گیری‌های احمدی‌نژاد به ویژه اظهارات فاشیستی او، مبنی بر نابودی اسراییل را محکوم کرده‌اند. همچنین در چند ماه اخیر رعب و وحشت و سرکوب و اعدام و شکنجه، تبلیغ خرافات اسلامی و فشار بر زنان نسبت به گذشته فزونی یافته است. گفته می‌شود که بسیاری از سرمایه‌های ایرانی از این کشور خارج و به کشورهای حوزه خلیج فارس انتقال یافته است. تلویزیون امارات چندی پیش اعلام کرد که از ابتدا تا پایان سه ماهه نخست سال جاری میلادی، مبلغ دویست میلیارد دلار از سوی چهارصد هزار ایرانی در دبی سرمایه‌گذاری شده است و کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند تا پایان سال جاری سرمایه‌گذاری ایرانیان از مرز سیصد میلیارد دلار خواهد گذشت. همچنین به گزارش دیلی تایمز، ١٠٠ شرکت ایرانی با سرمایه‌ای بالغ بر ٤٠٠ میلیون دلار در کردستان عراق به ثبت رسیده است.
بنابراین احمدی‌نژاد، با سیاست‌هایی که در پیش گرفته است، علاوه بر تحمیل فقر و فلاکت و اختناق فزاینده بر جامعه ایران، در سطح بین‌المللی نیز زمینه احتمال حمله نظامی آمریکا و اسراییل به ایران را مساعد ساخته و مردم این کشور را در معرض نگرانی فزاینده قرار داده است.
* **بیانیه بروکسل درباره نقض حقوق بشر در ایران:** وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای که روز دوشنبه ١٢ دسامبر ٢٠٠٥ در بروکسل تصویب کردند، با ابراز نگرانی از وضعیت حقوق بشر در ایران اعلام داشتند رعایت حقوق بشر اهمیتی اساسی در بهبود روابط اروپا با ایران خواهد داشت .
وزیران امور خارجه این اتحادیه در گزارش سالانه خود درباره وضعیت حقوق بشر در دنیا اعلام کردند که اگر حکومت ایران خواهان روابط بهتری با اروپاست باید حقوق بشر را رعایت کند. يك هفته قبل از صدور این بیانیه نیز این اتحادیه در اقدام دیگری اظهارت ضداسرائیلی محمود احمدی نژاد، رییس جمهوری ایران را را محکوم دانست .
اتحادیه اروپا، بار دیگر با انتشار بیانیه‌ای در روز پنج‌شبه ١٦ دسامبر تازه‌ترین اظهارات احمدی‌نژاد، رییس جمهور ایران در انکار واقعه قتل‌عام یهودیان در جنگ جهانی دوم را محکوم کرد. و در مورد برنامه اتمی این کشور نیز هشدار داد.
وزرای خارجه ٢٥ عضو اتحادیه اروپا در پیش‌نویس بیانیه‌ای که در حاشیه اجلاس رهبران اتحادیه اروپا در بروکسل تنظیم شد، درباره اظهارت تازه احمدی‌نژاد، که واقعه کشتار یهویان را «افسانه» خوانده بود، نوشتند: اتحادیه اروپا به زبانی صریح درخواست

پرزیدنت احمدی‌نژاد برای ریشه‌کن کردن اسرائیل و انکار واقعه قتل‌عام یهودیان را محکوم می‌کند.
احمدی‌نژاد، طی یك سخنرانی در زاهدان، واقعه کشتار یهودیان به دستور هیتلر، رهبر آلمان نازی را «افسانه» خوانده و گفته بود که حکومت‌های غربی این افسانه را حتی از اصل دیانت و پیامبران نیز بالاتر می‌دانند؛ اگر کسی خدا، دین و پیامبران را انکار کند کاری با او ندارند اما اگر کسی این افسانه را رد کند علیه او فریاد می‌زنند و می‌گویند شما نمی‌توانید در جامعه متمدن امروز زندگی کنید. او بار دیگر پیشنهاد انتقال اسرائیل به خاك کشورهای غربی را مطرح کرد و همچنین از کانادا و آلاسکا به عنوان سرزمین‌هایی نام برد که به عقیده او، دولت یهود می‌تواند در بخشی از آن‌ها تشکیل شود. از این موضع‌گیری را قبلا در روز قدس، سپس در مکه در کنفرانس دولت‌های اسلامی و اکنون در زاهدان آن را مطرح می‌کند، نشان از یك سیاست تازه در سیاست جمهوری اسلامی است.
اظهارات تازه احمدی‌نژاد که ادامه مواضع از علیه اسرائیل در چند ماه اخیر است، باعث افزایش اعتراضات اروپا و آمریکا و اسرائیل، به خصوص درباره برنامه‌های اتمی ایران شده است. لازم به تاکید است که البته هدف اصلی احمدی‌نژاد، از نابودی اسراییل، گذشته از افکار فاشیستی‌اش، در واقع بسیج نیروهای حزب‌الله و سرکوب شدید اعتراضات توده‌ای و به طور کلی نسخه موثری برای سیاست‌های داخل ایران است.
با این که اروپا در سه سال گذشته، درباره برنامه‌های اتمی با جمهوری اسلامی وارد مذاکره شده بود، حال از مواضع دولت احمدی‌نژاد در این‌باره ناراضی است و به همراه آمریکا فشارهای خود را بر جمهوری اسلامی ایران افزایش داده است.
مجمع عمومی سازمان ملل نیز روز جمعه ١٦ دسامبر ٢٠٠٥، قطعنامه وضعیت حقوق بشر در پنج کشور ایران، کنگو، کره شمالی، ترکمنستان و ازبکستان را تصویب کرد. قطعنامه نقض حقوق بشر در ایران با ٧٥ رای موافق، ٥٠ رای مخالف، و ٤٣ رای ممتنع تصویب شد. حکومت جمهوری اسلامی، به ادامه اذیت و آزار مدافعان حقوق بشر، مخالفان سیاسی و مذهبی، روزنامه‌نگاران، نمایندگان مجلس، دانشجویان، روحانیون، دانشگاهیان و وبلاگ‌نویسان، ادامه استفاده از شکنجه و برخوردها و مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز، ادامه خشونت و تبعیض علیه زنان و دختران در قوانین و عمل، و ادامه اعدام‌ها در ملاءعام و در سطح وسیع و اعدام افراد زیر ١٨ سال، متهم است.
* **جمهوری اسلامی، یك رژیم تروریست است:** بنا به گزارش روزنامه‌های ترکیه، دادگاه آنکارا، پس از پنج سال تحقیق و بررسی در مورد پرونده موسوم به «امید»، رای داد که رژیم جمهوری اسلامی، مستقیما در ترور روشنفکران لائیك ترکیه، نقش داشته است. روزنامه پرتیراز حریت، در این مورد نوشت: ایران مرکز ترورهای اسلامی است. روزنامه صباح نوشت: دادگاه امید، در حکم نهایی خود انگشت اتهام را به سوی ایران نشانه رفته است. روزنامه اورنسل نیز نوشت: واقعیت‌های عملیات «امید»، برملا شد. با حکم نهایی شعبه ١١ دادگاه امنیتی آنکارا، روشن شد که ایران، همواره از تروریسم بر علیه ترکیه استفاده کرده است. گروه‌های اسلامی تروریستی، رسما توسط سپاه پاسداران ایران، آموزش دیده‌اند... در دادگاه امنیتی آنکارا، گفته شده است که اهداف نهایی سازمان‌های اسلامی «توحید سلام» و «ارتش قدس»، یکی است. سلام توحید، در کنار

فعالیت‌های اقتصادی، برای فعالیت‌های نظامی نیز زمینه‌سازی می‌کند، اما کسانی که مستقیما فعالیت‌های نظامی را انجام می‌دهند در درون ارتش قدس قرار دارند.این دادگاه علام کرد که کارا حسن کلیچ، محمدعلی تکین، مظفر داغ‌دویرن، فاتح آیدین محمد شاهین، تروریست‌هایی هستند که به ایران گریخته‌اند. همچنین در رابطه با عملیات «امید»، ۱۷ نفر زندانی و ۱۱۱ نفر نیز مورد بازجویی قرار گرفته است.
تحقیقات و بررسی‌های عملیات «امید»، درباره ترور اوغور مومجو، روزنامه‌نگار، پروفسور احمد تانر کیشلالی، پروفسور معمر آکسوی و دکتر بحریه اوچوك و... سال‌ها در جریان بود .
در حکم نهایی دادگاه امنیتی آنکارا، چنین آمده است: عاملان دستگیرشده قتل روشنفکران که شهروندان ترکیه هستند، وابسته به دولت جمهوری اسلامی بوده و به طور سازمان‌یافته دست به این قتل‌ها زده‌اند. این دادگاه که ابتدا در شعبه شماره دوم امنیت و سپس در شعبه ۱۱ دادگاه آنکارا به پرونده قتل روشنفکران ملی و لائیك ترکیه رسیدگی می‌کرد، سرانجام بعد از ظهر روز شنبه ۱۷ دسامبر، حکم نهایی خود را صادر کرد.
دادستان دادگاه آنکارا، در قرائت حکم نهایی گفت: ایران، از زمان روی کار آمدن آیت‌الله خمینی، به عنوان موسس حکومت اسلامی، که نتوانست در سطح بین‌المللی به اهداف خود نایل آید، به نازل‌ترین و پرصداترین پدیده که تروریسم است، روی آورد. در این دادگاه تاکید شد که جمهوری اسلامی، به طور واضح و آشکار علیه ترکیه، ترور را به کار گرفته و در این میان گروه‌های کوچك اسلامی را ایجاد کرده تا توسط آن‌ها به اهداف خود برسد.
چندی پیش نیز دیده‌بان حقوق بشر با انتشار گزارش مفصلی وزیران کشور و اطلاعات جمهوری اسلامی را به جنایت علیه بشریت متهم کرد، دو روز بعد از آن، آیت‌الله منتظری با استناد به خاطرات و مکاتبات وی، تایید کرد که مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور کنونی ایران را مسئولان اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸ می‌داند. مصطفی پورمحمدی، از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ رییس اطلاعات خارجی، معاون و قائم مقام وزارت اطلاعات که اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در پاییز سال ۱۹۸۸ انجام گرفت، در دوران مسئولیت او رخ داد. در مورد غلامحسن اژه‌ای، وزیر اطلاعات دولت محمود احمدی‌نژاد، در گزارش دیده‌بان حقوق بشر آمده که او، به عنوان دادستان ویژه روحانیت و همچنین رییس مجمع قضایی کارکنان دولت که رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را بر عهده داشت یکی از چهره های کلیدی و اصلی پیگرد و بازجویی از روحانیون «اصلاح‌طلب» و سیاست‌مداران و همچنین سرکوب آزادی مطبوعات در ایران بوده است.
*** احتمال حمله نظامی به ایران در سال ۲۰۰۶:** در روزهای آخر سال ۲۰۰۵ شایعات احتمال حمله نظامی به ایران، بار دیگر شدت گرفت. اودو اولفکونه، کارشناس مسایل امنیتی و سردبیر سابق روزنامه «فرانکفورتر آلگمانیه»، در مقاله‌ای نسبت به احتمال وقوع این جمله ابراز نگرانی کرده است. وی فاش ساخته است که «پورتر گاس»، رییس سازمان امنیتی آمریکا، سیا، در پی دیدار خود با «رجب اردوغان»، نخست وزیر ترکیه، در آنکارا، از وی خواست حمله هوایی علیه پایگاه‌های نظامی و اتمی ایران را با ارائه اطلاعات محرمانه در این خصوص حمایت کند. «گاس»، ادعا کرد: واشنگتن حمله علیه ایران را برای سال ۲۰۰۶ برنامه‌ریزی کرده است. براساس اخبار منتشر شده، در هفته گذشته نیز دولت‌های عربستان سعودی، اردن، عمان و پاکستان از جزئیات این برنامه

باخبر شده‌اند. در این مذاکرات حمله هوایی به عنوان تنها گزینه ممکن یاد شده است ولی تا به حال زمان دقیقی برای آن تعیین نشده است.
اشپیگل نوشت: آژانس خبری «د.د.پ»، از قول یك مسئول عالی‌رتبه نظامی آلمان اعلام کرده: من تعجب می‌کنم، اگر آمریکا از شرایط به وجود آمده در تهران، به نحو احسن استفاده نکند. آمریکایی‌ها باید به موقع به ایران حمله کنند، یعنی زمانی که جمهوری اسلامی هنوز به سلاح هسته‌ای دسترسی پیدا نکرده است، و گر نه بعدا دیگر دیر خواهد شد.
اشپیگل ادامه می‌دهد: در سال ۲۰۰۵، «سیمور هرش»، روزنامه‌نگار روزنامه «نیویورکر» اطلاع داده بود که گروه‌های کوماندویی آمریکا، در ایران عملیات شناسایی مراکز مهم نظامی را جهت حمله هوایی آمریکا به ایران آغاز کرده‌اند. در زمان انتشار خبر مذکور دولت بوش، از تایید آن خودداری کرد. در زمان انتشار خبر مذکور دولت بوش، از تایید آن خودداری کرد. اما بوش در عین حال اعلام کرد که از حمله نظامی به جمهوری اسلامی را منتفی شده نمی‌داند.
بنا به گزارش اشپیگل، روزنامه جمهوریت چاپ ترکیه، پس از اعلام دیدار رییس سازمان سیا از ترکیه نوشت: اکنون نوبت جمهوری اسلامی است... با وجود این که «گاس»، مسئول سیا، با رییس سازمان امنیت ترکیه «میت» نیز گفتگو داشته است، اما دیدار «رجب اردوغان» با رییس سازمان سیا، به طور غیرعادی یك ساعت به درازا کشیده است.
روزنامه رادیکال، در شماره روز شنبه ۳ دی ۱۳۸٤، نوشت، رضایت آنکارا برای حمایت از طرح‌های آمریکا علیه ایران، مشروط بر حمله به مراکز و پایگاه‌های «پ.کا.کا» در شمال عراق، بوده است. به نوشته این روزنامه، رییس سیا، سه پرونده مهم را در اختیار مقام‌های ترکیه قرار داده است: نخست اسنادی درباره همکاری ایران و شبکه تروریستی القاعده، دوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران برای دست‌یابی به سلاح‌های اتمی و سومی هنوز فاش نشده است.
روزنامه حریت نیز نوشت، دن هالوتس، رییس ارتش اسراییل، در دیدار با همتای ترك خود، اشاره کرده که ایران کانون ناآرامی و بحران‌سازی در منطقه است و ناآرامی‌هایی که ایران ایجاد می‌کند ترکیه را هم در بر می‌گیرد.
*** گرم شدن زمین، عامل رشد فقر و سوانح طبیعی:** از روز چهارشنبه، ۱٦ فوریه ۲۰۰۵، پیمان «کیوتو»، برای مقابله با افزایش دمای زمین جنبه اجرایی یافته است. به گزارش بی‌بی‌سی، پیمان کیوتو، برای جلوگیری از گرم شدن آب و هوای زمین هفت سال پیش در اجلاس یك‌صد و هشتاد کشور جهان در کیوتو، ژاپن، مورد تایید قرار گرفت، اما تنها در سال جاری تعداد کشورهای امضاکننده این سند، به حد نصابی که در پروتکل پیش‌بینی شده بود رسید و در نتیجه، این پیمان جنبه اجرایی یافته است. در توافق‌نامه کیوتو، پیش‌بینی شده است تا زمانی که تعداد کشورهای متعهد به اجرای مفاد آن به حدی نرسیده که در مجموع شامل دست‌کم ۵۵ درصد از کل تولید گازهای گلخانه‌ای جهان نشود، این سند قابل اجرا نخواهد بود .
گر چه آمریکا، که بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای در جهان محسوب می‌شود، همچنان از پیوستن به این پیمان خودداری می‌ورزد، امضای آن توسط روسیه،

سبب شد تا جمع تولید گازهای گلخانه‌ای بیش از یك‌صد و چهل کشور امضاکننده این پیمان به حد نصاب برسد.
دولت آمریکا که مسئول تولید حدود ۲۵ درصد از کل گازهای دی‌اکسید کربن در جهان است گفته است که در عوض، تصمیم‌های دیگری را برای مقابله با گرم‌ترشدن زمین در سطح ملی اتخاذ و اجرا می‌کند. هند، کشورهای عضو اوپك و مهم‌تر از همه آمریکا، هنوز پیشنهادات کانادا را نپذیرفته‌اند.
مهم‌ترین موضوع نحوه برخورد با مسئله افزایش گرمای هوای کره زمین درآینده است و دولت کانادا در این زمینه پیشنهاداتی داده است که ناظر بر کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای توسط کشورهای صنعتی است.
در اجلاس مونترال، که در اوایل ماه دسامبر در مونترال برگزار شد، یك دانشمند بلندپایه در زمینه تغییرات جوی گفته است که جهان برای این که بتواند با گرم‌تر شدن هوا مقابله کند تنها ده سال فرصت دارد و پس از گذشت این مدت نجات کره زمین امکان‌پذیر نخواهد بود.
دکتر جیمز هیس، دانشمندی که برای اولین بار هشدار داد که در صورتی که تولید گازهای گلخانه‌ای در سطح فعلی ادامه یابد هوای گره زمین به صورت فاجعه‌آمیزی گرم‌تر خواهد شد، در جلسه کارشناسان تغییرات جوی در سانفرانسیسکو گفت که تنها یك درجه گرم‌تر شدن هوای کره زمین سبب خواهد شد که که تغییراتی در آب و هوای کره زمین پدیدار شود که از نیم میلیون سال پیش تاکنون بی‌سابقه بوده است.
هم‌اکنون تحقیقاتی که توسط دانشمندان آمریکایی و کانادایی صورت گرفته نشان می‌دهد که مواد شیمیایی که به مقدار زیاد وارد جو می‌شود سبب شده که ترمیم سوراخ شدن لایه ازن در قطب شمال بیش از مدتی که تصور می‌شد طول بکشد.
شرکت‌کنندگان در کنفرانس بر این باور بوده‌اند که گروه‌های به خصوص ذینفع از جمله در صنایع اتومبیل‌سازی سد راه اقدامات لازم می‌شوند. به عقیده این کارشناسان، مردم شدت وخیم شدن اوضاع جوی را درك نکرده‌اند و به این موضوع توجه ندارند که آب شدن کوه‌های یخ در مناطق قطبی می‌تواند سبب شوند که سطح آب اقیانوس‌ها در هر قرن بین یك تا پنج متر بالا بیاید.
دکتر دری امانوئل، یکی دیگر از کارشناسان، افزایش طوفان‌ها در سال اخیر را ناشی از همین تغییرات جوی دانست و گفت، برخلاف ادعای مقامات رسمی ذیربط در آمریکا، افزایش تعداد این طوفان‌ها صرفا یك روند طبیعی نیست. دکتر آمانوئل، همچنین مقامات آمریکایی را متهم کرد که مانع اظهارنظر دانشمندانی می‌شوند که با او در این زمینه هم‌عقیده هستند.
اخیرا وضعیت آلودگی هوا در تهران، به حدی رسید که حتی مدارس را تعطیل کردند. به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از مرکز آلودگی هوا، استمرار شرایط پایدار در جو سبب شده تا به رغم تعطیل بودن ادارات و کاهش تردد، بر میزان کلیه آلاینده‌ها خصوصا منوکسید کربن و ذرات معلق افزوده شود به طوری که غلظت این مواد در اکثر مناطق به بیش از دو برابر حد مجاز رسیده است به این تریب شاخص کیفیت هوا هم‌اکنون در آستانه شرایط «اضطراری» است. توصیه می‌شود کلیه افراد خصوصا بیماران قلبی و تنفسی از هرگونه فعالیت در هوای آزاد به طور جدی خودداری کنند.

سال گذشته، از نظر درجه حرارت زمین، یکی از گرم‌ترین سال‌ها بوده است. دمای متوسط زمین در سال ۲۰۰۵، به میزان ۰/٤۸ درصد از میانگین همه سال‌های پس از ۱۸٦۱، که اندازه‌گیری دمای زمین آغاز شد، بیش‌تر بوده است.

*** زلزله زرند کرمان:** صبح سه‌شنبه ۲۲ فوریه، زمین لرزه نسبتا شدیدی نواحی روستایی شهر زرند کرمان را لرزاند که بیش از پانصد نفر کشته و صدها نفر زخمی بر جای گذاشت.

*** زلزله ۲۹ مارس اقیانوس هند:** زلزله اقیانوس هند صدها کشته بر جای گذاشت. این زمین لرزه، که ۸/۷ درجه در مقیاس ریشتر گزارش شد، در ساعات اولیه بامداد به وقت محلی در روز سه‌شنبه ۲۹ مارس ۲۰۰۵، در نقطه‌ای در نزدیکی مرکز وقوع زمین لرزه شدید ماه مارس سال گذشته روی داد و باعث شد هزاران تن از ساکنان مناطق ساحلی در اندونزی، مالزی، تایلند و هند از بیم هجوم امواج دریا به مناطق مرتفع بگریزند. این زمین لرزه به سونامی منجر نشد، اما گزارش شده است که در جزیره نیاس، در اندونزی، دست‌کم سیصد نفر در اثر فروریختن ساختمان‌ها جان خود را از دست داده‌اند. هشتاد درصد از خانه‌ها در شهر گونونگسیتولی در جزیره نیاس، ویران و صدها تن از ساکنان آن‌ها در زیر آوار مدفون شدند .

زمین لرزه اخیر به مراتب ضعیف‌تر از زلزه‌ای بوده که در ۲٦ ماه دسامبر ۲۰۰٤، در نزدیکی سوماترا، در اندونزی، روی داد، باعث بروز سونامی شد و مرگ از دویست و بیست هزار نفر از اهالی کشورهای اندونزی، سریلانکا، هند، تایلند، مالدیو، مالزی، میانمار، بنگلادش، سومالی، تانزانیا، و کنیا گردید. سونامی ۲٦ دسامبر ۲۰۰٤، در کشورهای منطقه، جان بیش از ۲۹٤ هزار نفر را گرفت.

بنا به گزارش خبرگزاری‌ها، با وجود گذشت تقریبا یك سال از واقعه سونامی، ٦۷ هزار نفر از بازماندگان آن، در اندونزی همچنان در چادر زندگی می‌کنند. براساس این گزارشات، سازمان‌ها و موسساتی که در این زمینه مسئولیت قبول کرده‌اند، باید ۸۰ هزار تا ۱۱۰ هزار خانه دیگر بسازند و ۷۲ هزار خانه را نیز تعمیر کنند. گزارشات فوق، از زندگی دشوار، کمبود امکانات اولیه زندگی و امکانات بهداشتی و درمانی در محل زندگی بازماندگان سونامی در اندونزی خبر داده‌اند.

یك سال بعد از سونامی، دولت‌ها هنوز ۵۵۰ میلیون دلار از کم‌های مالی وعده داده خود را به قربانیان پرداخت نکرده‌اند. سازمان ملل، که عملیات نجات را هماهنگی کرده است، می‌گوید که کشورهای دنیا، با توجه به قول‌شان برای سرمایه‌گذاری‌های درازمدت برای بازسازی آسیب‌دیدگان مجموعا ۱۳ میلیارد و ٦۰۰ میلیون دلار به قربانیان سونامی کمك وعده داده‌اند. ارقام سازمان ملل نشان می‌دهد که آمریکا، تنها ۳۸ درصد از وعده خود را محقق کرده است. در اروپا، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و کمیسیون اروپا نیز تاکنون نتوانسته‌اند به عهد خود وفا کنند. بنا به آمار سازمان ملل، کمیسیون اروپا، هنوز ۷۰ میلیون دلار نپرداخته و این رقم در مورد بریتانیا ۱۲ میلیون دلار است. کمك‌های شخصی از کمك دولت‌ها بیش‌تر بوده است، افراد و شرکت‌ها چهار میلیارد دلار به عملیات امداد کمك کرده‌اند که ٦۷ درصد کل کمك‌های بشردوستانه را تشکیل می‌دهد.

*** زلزله ۸ اکتبر ۲۰۰۵ پاکستان:** در زلزله پاکستان، بیش از ۸۷ هزار نفر جان خود را از دست دادند. این در حالی است که هنوز کمك‌های مورد نیاز به آسیب‌دیدگان این زلزله

نرسیده است. آب لوله‌کشی در کار نیست، بیمارستانی برای دوا و درمان وجود ندارد و آذوقه برای زمستان کمیاب است. در این زلزله، صدها هزار نفر از مردم شمال پاکستان، زخمی شدند و بیش از چهار میلیون نفر نیز آواره گردیدند.
صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل(یونیسف)، چند روز پس از وقوع زلزله، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که ده‌ها هزار کودك در مناطق زلزله زده پاکستان با خطر مرگ روبه‌رو هستند. در بیانیه یونیسف آمده است، در حال حاضر ۱۲۰ هزار کودك در کوه‌های کشمیر تحت کنترل پاکستان آواره هستند و در صورتی که نیازهای غذایی و درمانی آنان تامین نشود طی هفته‌های آینده حدود ۱۰ هزار کودك در مناطق زلزله زده جانشان را از دست خواهند داد .
همچنین پایگاه اینترنتی سازمان ملل نیز اعلام کرد که بیش از ٤٠ هزار زن باردار در مناطق زلزله زده بر اثر کمبود امکانات بهداشتی و نامناسب بودن محل اسکانشان با خطر مرگ مواجه هستند. بارش برف و باران نیز درد و رنج و مشکلات مردم زلزله زده فزونی داده است.
اخیرا صلیب سرخ جهانی هشدار داده است که حدود سه میلیون نفر بی‌خانمان در مناطق زلزله زده زندگی می‌کنند و این افراد به کمك‌های عاجل نیازمندند. این سازمان جهانی اعلام کرده است که مهم‌ترین اقدام در حال حاضر تهیه چادرهایی است که بتوانند در برابر سرمای زمستان مقاومت کنند.
*** طوفان کاترینا، در آمریکا:** غروب یك‌شنبه ۲۸ اوت، طوفان کاترینا، به سواحل ایالات لوئیزیانا و می‌سی‌سی‌پی رسید. ظهر روز بعد، حدود هشتاد درصد از شهر معروف و قدیمی «نیواورلئان» زیر دو متر و نیم آب رفت. تماس‌های این شهر با دنیای خارج قطع گردید. یکصد هزار نفر از ساکنان باقی مانده این شهر، که عمدتا به دلیل فقر توانایی فرار به موقع را نداشتند بدون آب، غذا، برق، تلفن و امنیت در میان دست و پنجه نرم کردن با مرگ و زندگی، منتظر کمك‌های دولت آمریکا بودند. اما مقامات ایالاتی و حکومت مرکزی آمریکا به موقع به یاری آسیب‌دیدگان نشتافتند، فاجعه به ابعاد گسترده‌تری مبدل شد. بنا به گزارش خبرگزاری‌ها و به نقل از شهردار شهر نیواورلئان، حدود هزار نفر از مردم این شهر بر اثر طوفان «کاترینا» جانشان را از دست داده‌اند. همچنین حدود ٤٠٠ هزار نفر از مردم این شهر نیز آواره شده و در محل‌های موقت در دیگر نقاط آمریکا اسکان داده شده‌اند.
صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل(یونیسف) شمار کودکان ناپدید شده این حادثه را ۲۲۰ نفر اعلام کرده است. ضمن این که ده‌ها هزار کودك نیز به دنبال مرگ والدینشان آواره شده‌اند.
سازمان بهداشت جهانی، کمبود شدید امکانات بهداشتی، اجساد شناور بر روی آب، قتل، غارت، خودکشی و تجاوز را از دیگر مشکلات موجود در شهر «نیواورلئان» اعلام کرده است.
شهر نیواورلئان، که در ایالات لوئیزیانا در جنوب آمریکا واقع شده و ۸۰ درصد از ساکنین آن سیاه‌پوست هستند بیش‌ترین خسارت را در جریان طوفان کاترینا متحمل شده است.

در سال ۲۰۰۱، نسبت به وقوع چنین فاجعه‌ای در شهر نیواورلئان، هشدار داده شده بود. اما دولت هیچ‌گونه اقدامات پیشگیرانه انجام نداد. طوفان شدید نیواورلئان، که به طوفان کاترینا معروف شد در ۲۳ اوت در ۲۰۰ کیلومتری باهاماس یك توفان حاره‌ای شکل گرفت و پس از چهار روز که از خلیج مکزیك گذشت، شدت بیش‌تری یافت. آب‌های خلیج به طور غیرعادی گرم شده و انرژی عظیمی را در خود متراکم کرد. این طوفان، به سرعت این حجم وسیع انرژی را جذب کرد و تبدیل به تندباد درجه ٥ شد و با بادهای ۲۹۰ کیلومتر در ساعت ترکیب گردید و امواج عظیم طوفانی به ارتفاع ۱۰ متر به وجود آورد. بسیاری از محققین بر این باورند که این دگردیسی نتیجه تاثیرات گرم شدن جو زمین است. ارگان‌های دولتی اقدام جدی نکردند، در نتیجه بالا آمدن آب مردم شهر را غافلگیر کرد و فقط برخی از مناطق ثروت‌مندنشین و توریستی که بر بلندی‌ها واقع شده بودند از ضربات کوبنده سیل و توفان در امان ماندند.

ریچارد بیکر، یکی از رهبران حزب جمهوری‌خواه، درباره طوفان کاترینا، با بی‌شرمی گفته است: بالاخره شهرك‌های نیواورلئان، پاکسازی شدند. کاری که ما نتوانستیم انجام دهیم، خدا برایمان انجام داد.(روزنامه وال استریت، نیوریورك، ۹ سپتامبر ۲۰۰٥) شهردار این شهر نیز گفت: اولین بار است که شهر ما از شر مواد مخدر و خشونت راحت شده است و ما خیال داریم آن را در همین وضع نگه داریم.

جرج بوش، دو هفته بعد از وقوع طوفان، در تلویزیون ظاهر شد و قول داد مناطق آسیب‌دیده را به سرعت بازسازی کند.

* **سقوط هواپیما در ایران:** ساعت ۱۰/۱٤ دقیقه روز سه‌شنبه ۱٥ آذر ماه ۸٤_٦ دسامبر ۲۰۰٥، یك فروند هواپیمای مسافربری «C۱۳۰» متعلق به ارتش جمهوری اسلامی، که حامل عکاسان و خبرنگاران رسانه‌های خبری عازم چابهار در جنوب ایران بود در شهرك توحید در جنوب فرودگاه بین‌المللی مهرآباد واقع در غرب تهران سقوط کرد. طی این حادثه، ۱۱۰ نفر شامل ٦۸ خبرنگار و عکاس، ۱۰ خدمه هواپیما و ۳۲ پرسنل ارتش کشته شدند. همچنین ۲۳ نفر دیگر نیز که اکثر آنان از ساکنین شهرك توحید هستند زخمی گردیده‌اند که به بیمارستان‌های تهران منتقل شده‌اند. گفته شده است با وجود این که هواپیما نقص فنی داشت، اما مسئولین جمهوری اسلامی بدون توجه به این نقص فنی، خلبان را وادار به پرواز کردند.

روزنامه همشهری، در شماره ۱۷ ماه خود، در رابطه با سقوط هواپمای «C۱۳۰»، نوشت: روزنامه همشهری ضمن حفظ محرمانه منابع این اطلاعات به دلیل حساسیت شرایط در حال حاضر از انتشار آن‌ها تا زمان اعلام نتیجه قطعی اقناع‌کننده افکار عمومی خودداری می‌کند. طبیعی است در صورتی که این بار نیز بدون پیگیری جدی مقصران، چون همیشه پاسخ‌های فرمایشی و بی‌حاصل به افکار عمومی عرضه شود روزنامه همشهری به وظیفه حرفه‌ای خود بدون ملاحظه عمل خواهد کرد.

چند اعتراض مهم جهانی:

* **شورش حاشیه‌نشینان فرانسه:** شورش حاشیه‌نشیان فرانسه، یکی از مهم‌ترین اعتراضات توده سال ۲۰۰٥ در جهان بود .

اعتراضات پاریس، از ۲۷ اکتبر، در حالی آغاز شد که سه جوان در اثر تعقیب پلیس، از سیم‌های سه متری حایل یك ایستگاه ترانسفورماتور برق در محله «کلیشی سن بوا» بالا می‌روند، دو تن از آن‌ها به نام‌های «بونا» ۱۵ ساله و «زید» ۱۷ سال بلافاصله جان می‌بازند، اما «متین» به بیمارستان منتقل می‌شود. این نوجوانان مشغول بازی فوتبال بودند که با آمدن پلیس وحشت‌زده می‌شوند و برای فرار از پلیس، از سیم‌های برق بالا می‌روند. مردم محل به خبرگزاری‌ها گفته‌اند که قصد داشتند برای این دو کودك جان‌باخته تشییع جنازه بگذارند، اما با اظهارات «سارکوزی»، به عنوان وزیر کشور و دومینیك دو دوبلین، نخست‌وزیر، مبنی بر این که دو جوان یاد شده بزهکارند و سابقه خرابکاری داشتند، احساسات مردم، به ویژه خانواده و دوستان کودکان جان‌باخته خدشه‌دار شده و عامل خشم مردم این محلات فقیرنشین شد. پلیس با ساکنان این محله، رفتار خشونت‌آمیزی داشته و کودکان همواره با دیدن آن‌ها وحشت‌زده شده و فرار می‌کردند.

روز بعد دادستان ایالتی در یك مصاحبه مطبوعاتی می‌گوید، در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده که این دو جوان، هیچ کار خلاف قانون انجام نداده بودند و هیچ‌گونه سابقه بزهکاری نیز نداشتند. بنابراین نتیجه تحقیقات داستانی نشان‌دهنده این واقعیت است که مقامات دولت فرانسه، برای سرپوش گذاشتن به سیاست‌های غیرانسانی‌شان به چه دروغ‌هایی متوسل می‌شوند.

همچنین وکیل خانواده دو جوان «ژان پیر مینارد»، گفته است که سئوال این است که چرا جوانانی که هیچ قانونی نشکسته‌اند پلیس را چنین تهدیدی برای امنیت خود می‌شمارند؟ چرا با چنین وحشتی از پلیس می‌گریزند.

در این مورد یکی از ساکنان محله کلیشی سن بوا، به خبرنگار فیگارو گفته است: «پلیس در محلات ما نقش کابوی را بازی می‌کند و به ارعاب ما می‌پردازد. اما وقتی ما به آن‌ها احتیاج داریم، سر و کله‌شان پیدا نمی‌شود.»

مناطق حاشیه‌ای پاریس، گتوهایی هستند که بخشی از پاریس بزرگ محسوب می‌شوند. کلیشی سن بوا، که اعتراضات از آن‌جا آغاز شد، یکی از فقیرترین محلات حومه پاریس است. ۸۰ درصد ساکنان آن مستاجرانی هستند که حتا خانه‌هایشان ۵۰ سال است تعمیر نشده است. نیمی از جمعیت آن زیر ۲۵ سال است و بی‌کاری در این‌جا بیش‌تر و چندین برابر از سراسر کشور است.

بنا به نوشته سایت بی‌بی‌سی، رقم بیکاری کسانی که مدرك دانشگاهی دارند در کل فرانسه ۵ درصد است، اما آن‌ها که تبار آفریقایی دارند، ۵,۲۶ درصد بیکار هستند. رقم بیکاران در برخی محلات را ۵۰ درصد ذکر کرده‌اند. این وضعیت عامل بی‌علاقگی دانش‌آموزان به ادامه تحصیل است. رقم بالایی از دانش‌آموزان بی‌آن که مدرك پایان تحصیلی بگیرند ترك تحصیل می‌کنند.

فقر و نژادپرستی و سرکوب‌های پلیسی در این گتوها در هم آمیخته است. ساکنان این گتوها، شهروندان درجه دو محسوب می‌شوند. گفته می‌شود ۵۰ درصد جوانان این گتوها بی‌کار هستند.

گاردین در سرمقاله خود بعد از اعتراضات اخیر در مورد اظهارات سارکوزی، وزیر کشور، نوشت: «زبان او همیشه راست افراطی است و همین مساله است که او را به سیاست‌مدار مورد علاقه رسانه‌ها تبدیل کرده است. اصولا سیاست‌مداران راست نه تنها

در فرانسه، بلکه در اروپا، از سیاست‌هایی دفاع می‌کنند که به فقر و تبعیض نژادی منجر می‌شود. از سوی دیگر آن‌ها عواقب وخیم این سیاست‌ها را به وسیله‌ای برای نژادپرستی و به عنوان اهرمی برای جمع‌آوری رای تبدیل می‌کنند. سیاست‌های تبعیض‌گرایانه، رشد فزاینده فقر در سال‌های اخیر بر علیه مهاجرین و پناهندگان برخوردهای غیرانسانی از جمله عوامل مهمی هستند که به اعتراضات توده‌ای اخیر فرانسه، منجر شده است.»
دولت فرانسه، روز سه‌شنبه ۸ نوامبر، به دنبال سخنان دومینیك دو ویلپن که هشدار داده بود با قانون‌شکنان قاطعانه برخورد خواهد کرد، ضمن افزایش حضور پلیس، مقررات منع رفت و آمد شبانه در مناطقی که حرکت‌های اعتراضی در جریان بود را به مرحله اجرا گذاشت. موج اعتراضات به ۳۰۰ شهر در سراسر فرانسه کشیده شد. این نخستین بار از زمان جنگ‌های استقلال الجزایر در سال‌های ۱۹٥٤ تا ۱۹٦۲، در فرانسه بود که دولت، مقررات منع رفت و آمد وضع می‌کرد. براساس مصوبه هیات دولت، مقامات محلی در مناطقی که اعتراضات در جریان بود به منظور خاتمه دادن به ناآرامی‌ها مقررات منع رفت و آمد وضع کردند. مصوبه هیات دولت همچنین دست پلیس را باز گذاشت تا به همه اماکن مورد نظر برای تفتیش وارد شوند.
گفته می‌شود حدود هشت هزار مامور پلیس تا دندان مسلح و با هلیکوپتر و دیگر ابزارهای نظامی ضدشورش، در مناطق فقیرنشین حومه پاریس، مستقر شدند. علاوه بر این نخست‌وزیر دستور داده است هزار و پانصد مامور دیگر پلیس و ژاندارمری به منظور کمك به پلیس به این منطقه اعزام شوند. براساس اخبار منتشر شده، صدها نفر از معترضین دستگیر و یا با حملات پلیس زخمی شدند.
بنا به نوشته لوموند دیپلماتیك، دسامبر ۲۰۰٥، در اعتراضاتی که از اواخر اکتبر تا نیمه نوامبر ۲۰۰٥ فرانسه را به لرزه درآورد، کارنامه سنگینی از حیث مادی، انسانی و روانشناسی بر جا گذاشت. هزاران اتومبیل به آتش کشیده شد... وضعیت فوق‌العاده اعلام شد، نزدیك به ۲۸۰۰ نفر بازداشت شدند، نزدیك ٤۰۰ نفر به زندان محکوم کردند.
خوزه مانوئل باراسو، رییس کمیسیون اتحادیه اروپا گفت، اتحادیه آمادگی دارد که تا سقف یك میلیارد یورو برای ایجاد اشتغال و مساعدت به وحدت اجتماعی به فرانسه کمك کند.
رییس کمیسیون اروپا، در یك مصاحبه رادیویی با شبکه یك رادیو اروپا گفت که اشتغال جوانان چالش اصلی است. «بهترین سیاست اجتماعی ایجاد اشتغال است. وقتی شما ٦۰ درصد از جوانان‌تان در حومه شهرها بیکار باشند مشکل‌زا خواهد بود.» آقای راسو، گفت آشوب‌های فرانسه نه یك مشکل فرانسویان، بلکه یك مساله اروپایی است.
*** اعتصاب عمومی مردم کردستان ایران به فراخوان کومه‌له:** فراخوان کمیته مرکزی کومه‌له، برای اعتصاب عمومی در کردستان، در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۸٤ منتشر شد. در بخشی از این اطلاعیه، آمده است: مرم مبارز کردستان! اکنون مدت بیش از ۳ هفته است که شهرهای کردستان به میدان اعتراضات و رودرویی توده‌های مردم با رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این حرکت انقلابی به دنبال یورش درندانه نیروهای رژیم به جمعی از جوانان شهر مهاباد، شکنجه وحشیانه و اعدام یکی از جوانان پرشور این شهر آغاز شد... به همین مناسبت کومه‌له، همه مردم آزادی‌خواه کردستان را به یك اعتصاب عمومی در روز یك شنبه ۱٦ مرداد ماه فرا می‌خواند...

روز ١٦ مرداد، تمام شهرهای کردستان به حالت تعطیل درآمد. کمیته مرکزی کومه‌له در بیانیه پیروزی شکوه‌مند اعتصاب عمومی روز یك‌شنبه ١٦ مرداد ٨٤_٧ آگوست ٢٠٠٥، از جمله نوشت: ١٦ مرداد با اعتصاب عمومی، یك‌پارچه و با شکوه مردم آزادی‌خواه به تاریخ جنبش انقلابی کردستان پیوست...

* **تظاهرات میلیونی علیه جنگ در شهرهای مختلف جهان:** براساس گزارش خبرگزاری‌ها، روز شنبه ٢٩ اسفند ماه به مناسبت دومین سالگرد حمله نظامی آمریکا به عراق، تظاهرات‌های گسترده‌ای در شهرهای مختلف جهان برگزار گردید .

* **تظاهرات یك میلیون نفری در دفاع از محیط زیست:** براساس گزارش خبرگزاری‌ها، روز شنبه ١٢ آذر ماه، بیش از یك میلیون نفر در ٣٠ شهر جهان در دفاع از محیط زیست، دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات بین‌المللی، در اعتراض به عدم پایبندی دولت‌های صنعتی، نسبت به رعایت وضعیت محیط زیست برگزار شد. تظاهرات توسط چندین نهاد بین‌المللی حفظ محیط زیست سازمان‌دهی شده بود.

* **شکست قانون اساسی اتحادیه اروپا:** براساس نتایج نهایی همه پرسی در فرانسه که وزارت کشور فرانسه منتشر کرده است، کارزار رای «نه» در این همه پرسی ٥٤/٨ درصد آرا را به خود اختصاص داده است.

براساس گزارشات، روز چهارشنبه اول ژوئن ٢٠٠٥، دست‌کم ٦٢/٣ درصد از رای‌دهندگان هلندی به قانون اساسی اتحادیه اروپا رای منفی دادند .

بدین ترتیب هلند، دومین کشوری اتحادیه اروپا است که به قانون اساسی این اتحادیه رای منفی داد. آرای منفی فرانسویان و هلندی‌ها می‌تواند سرنوشت این قانون را تغییر دهد، زیرا هر ٢٥ کشور عضو اتحادیه اروپا، باید آن را تایید کنند.

از مجموع ٢٥ کشور عضو اتحادیه اروپا، تاکنون ٩ کشور این قانون اساسی را تصویب کرده‌اند: آلمان، اتریش، یونان، مجارستان، ایتالیا، لیتوانی، اسلواکی، اسلوونی و اسپانیا.

* **اعتصاب نیویورك:** روز سه‌شنبه ٢٠ دسامبر ٢٠٠٥، ٣٤ هزار عضو اتحادیه کارگران حمل و نقل در نیویورك آمریکا، دست به اعتصاب زدند. به دنبال مذاکرات اتحادیه کارگران و کارمندان بخش‌های اتوبوس‌رانی و مترو نیوریورك با اداره حمل و نقل مترو پلوتین در خصوص افزایش حقوق کارگران، خدمات درمانی و میزان پس‌انداز بازنشستگی و کاهش سن بازنشستگی بخش حمل و نقل و بی‌نتیجه ماندن این مذاکرات، اعتصاب در این بخش از صبح روز سه‌شنبه آغاز شد.

تئودور جونز، قاضی دادگاهی در بروکلین، در حکم خود مقرر داشته که اتحادیه برای هر روزی که اعتصاب ادامه یابد، یك میلیون دلار جریمه بپردازد.

میکل بلومبرگ، شهردار نیویورك گفته است، این اعتصاب که اولین اعتصاب شهر بعد از ٢٥ سال است، می‌تواند تا ٤٠٠ میلیون دلار در روز هزینه به بار آورد. این اعتصاب، رفت و آمد هفت میلیون نفر را تحت تاثیر قرار داده است. رییس و ٢ معاون اتحادیه کارگران حمل و نقل نیوریورك را به دادگاه احضار شدند. ولی این تهدیدات تاکنون نتوانسته است اعتصاب را بشکند.

سرانجام اعتصاب سه روزه کارگران شبکه حمل و نقل نیویورك، بدون انعقاد قرارداد جدید کار پایان یافت. راجر توساین، رهبر اتحادیه کارگری حمل و نقل آمریکا گفته است: اگر

مذاکرات با مقام‌های سازمان حمل و نقل نیویورك به نتیجه نرسد، احتمال آغاز اعتصاب مجدد وجود خواهد داشت.

*** اعتصاب شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران:** بخشی از رانندگان اتوبوس‌رانی تهران، روز یك‌شنبه ۲۶ دسامبر ۲۰۰۵، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب، به دنبال بازداشت تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، آغاز شد. روز پنج‌شنبه ۱ دی۸٤_ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۵، مامورین پلیس، ۸ نفر به نام‌های منصور اسانلو، ابراهیم مددی، منصور حیات غیبی، عباس نژند کودکی، رضا ترازی، علی زادحسین و غلامرضا میرزایی را دستگیر و بازداشت کردند. همچنین مامورین پلیس ضمن بازرسی از منازل بازداشت‌شدگان، اسناد سندیکایی و کامپیوترهای شخصی آن‌ها را نیز با خود بردند. این بازداشت‌ها به دستور قاضی مرتضوی، دادستان تهران، و با حکمی با امضای قاضی محدث، انجام گرفته است. آن‌چه که در حکم بازداشت‌شدگان اعضای سندیکا آمده است، اقدام به تشکیل سندیکای غیرقانونی و تلاش برای بر هم زدن نظم عمومی از طریق اعتصاب بوده است که مستند به گزارش‌های جلسات هیات مدیره ذکر شده است .

روز یك‌شنبه ۲۵ دسامبر، صدها تن از رانندگان عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران، در اعتراض به کمبود دست‌مزدها و دستگیری فعالین سندیکا، دست به اعتصاب زدند. داود رضوی، راننده شرکت واحد و فعال سندیکا، در مصاحبه با رادیو «فردا»، گفت، اعتصاب روز یك‌شنبه در واکنش به اقدام روز پنج‌شنبه دادستانی تهران در دستگیری هیات مدیره و اعضای فعال سندیکا اعلام شد. حدود ۱۷ هزار نفر در شرکت واحد اتوبوس‌رانی فعالیت دارند.

سرانجام جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه ۲۸ دسامبر شش تن از بازداشت‌شدگان سندیکای شرکت واحد تهران را آزاد کرد و فقط منصور اصانلو، یکی دیگر از اعضای سندیکا، همچنان در بازداشت به سر می‌برد.

*** جایزه نوبل ادبیات:** یکی دیگر از وقایع مهم سال ۲۰۰۵، در صحنه جهانی، اعطای جایزه نوبل ادبیات، به هارولد پینتر و پیام او به همین مناسبت بوده است. هارولد، به دلیل بیماری در مراسم دریافت این جایزه در استکهلم شرکت نکرد. اما متن سخن‌رانی وی، در یك نوار ویدیویی ضبط و ۷ دسامبر در مراسم مقدماتی آکادمی نوبل به نمایش گذاشته شد. اجازه بدهید با اشاره به بخش‌هایی از سخن‌رانی هارولد پینتر، تحت عنوان «هنر، حقیقت و سیاست» وقایع مهم سال ۲۰۰۵ را پایان ببریم:

در سال ۱۹۵۸ نوشتم: مرز آشکاری میان واقعیت و غیرواقعیت وجود ندارد، این نکته شامل حقیقت و کذب هم می‌شود. حتما نباید چیزی حقیقی یا کاذب باشد. می‌تواند هم حقیقی و هم کاذب باشد.

من هنوز باور دارم که این ادعا معنا دارد و برای کنکاش واقعیت در هنر معتبر است. بنابراین به عنوان یك نویسنده بدان باور دارم، اما به عنوان یك شهروند نه. به عنوان شهروند، من باید بپرسم: حقیقت چیست؟ کذب کدام است؟

حقیقت در نمایشنامه همیشه یك معضل خواهد ماند. هرگز نمی‌توان آن را به شکل قطعی یافت، اما به ناچار می‌بایست در پی‌اش جستجو کرد. جستن، آشکارا انگیزه کوشش

ماست... حقیقت ناب اما این است که در هنر دراماتیك هرگز چیزی به عنوان تنها حقیقت یافت نمی‌شود. حقیقت‌های زیادی وجود دارند. این حقیقت‌ها با یکدیگر در چالشند، همدیگر را باز می‌نمایانند، نادیده می‌گیرند، به ریشخند می‌گیرند و در برابر هم کورند. گاهی حس می‌کنیم بر حقیقت لحظه‌ای چنگ انداخته‌ایم و در دستش داریم، اما، آن حقیقت از میان انگشت‌هایمان سر می‌خورد و ناپدید می‌شود...
زبان سیاسی آن‌گونه که سیاست‌مداران آن را به کار می‌گیرند، در این قلمرو جایی ندارد. زیرا بیش‌تر سیاست‌مداران، براساس شواهد، علاقه‌ای به جستن حقیقت ندارند. علاقه آن‌ها معطوف به قدرت و حفظ آن است.
برای حفظ قدرت می‌بایست انسان‌ها در بی‌تفاوتی و ناآگاهی به سر برند، می‌بایست در نادیده گرفتن حقیقت زندگی کنند، حتا در نادیده گرفتن حقیقت زندگی خودشان. بنابراین ما در محاصره شبکه تارهایی تنیده از دروغ هستیم و از آن تغذیه می‌کنیم.
همان‌طور که هر یك از حاضران می‌دانند، حمله به عراق این‌گونه توجیه شد که صدام حسین به سلاح فوق‌العاده کشتار جمعی دسترسی دارد، که تعدادی از آن‌ها می‌توانند در عرض ٤٥ دقیقه شلیك شوند و انهدام وحشت‌انگیزی به بار آورد. به ما اطمینان دادند که این عین حقیقت است. حقیقت این نبود. به ما گفتند عراق با القاعده رابطه دارد و در جنایت ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در نیویورك، سهیم است. حقیقت این نبود. به ما گفتند عراق امنیت جهان را تهدید می‌کند. به ما اطمینان دادند که این عین حقیقت است. حقیقت این نبود.
حقیقت کاملا چیز دیگریست. حقیقت به این نکته مربوط می‌شود که ایالات متحده چگونه می‌خواهد نقش خود را در جهان درك کند و چگونه می‌خواهد آن را تجسم ببخشد...
پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده از هر دیکتاتوری نظامی دست راستی در جهان پشتیبانی کرد، در بسیاری موارد خود آن‌ها را روی کار آورد. من اشاره می‌کنم به اندونزی، یونان، اوروگوئه، برزیل، پاراگوئه، هائیتی، ترکیه، فیلیپین، گواتمالا، السالوادور، و البته شیلی. باعث و بانی موج ترور و وحشت در شیلی آمریکا بود، جنایتی که هرگز نمی‌توان تطهیر کرد و بخشود.
در این سرزمین‌ها صدها هزار انسان کشته شدند. آیا راست است؟ آیا واقعا می‌شود همه این‌ها را به پای سیاست خارجی ایالات متحده نوشت؟ پاسخ این است: آری، درست است، همه این جنایت‌ها پای سیاست خارجی آمریکا نوشته می‌شود. اما طبیعی است که مردم در این‌باره چیزی نداند.
هرگز رخ نداده است. هیچ چیز زمانی رخ نداده است. حتا زمانی که رخ می‌داد، رخ نمی‌داد. مهم نبود. مسئله کسی نبود. جنایات ایالات متحده سیستماتیك، مداوم، بی‌رحمانه و شریرانه بود. اما تنها انسان‌های کمی درباره آن سخن می‌گویند. این هر هم باید بر عهده آمریکا گذاشت. آمریکا نسبتا خوب یاد گرفت که چگونه در سراسر جهان قدرت را زیر نفوذ خود بگیرد و از آن‌سو، به عنوان نیروی نیکی در جهان، نمایش و بالماسکه راه بیاندازد. یك عمل درخشان، حتا زیرکانه و بسیار موفق هیپنوتیزم...
تهاجم به عراق، راهزنی بود، عمل پر جار و جنجال تروریسم دولتی بود که اهانت مطلق به قوانین بین‌المللی را به نمایش می‌گذاشت. این تهاجم یك اقدام نظامی خودسرانه بود بر پایه تلی از فریبکاری و دروغ و اعمال نفوذ رایج رسانه‌ها بر افکار عمومی، حرکتی بود در جهت تثبیت کنترل نظامی و اقتصادی آمریکا در خاورمیانه زیر پوشش آزادسازی،

یعنی آخرین حربه، پس از این که همه توجیهات دیگر آمریکا دیگر توجیه‌پذیر نبود. نمایشی مهیب از قدرتی نظامی که مسئول نقض عضو و مرگ هزاران هزار تن از مردم بی‌گناه است.
ما برای مردم عراق شکنجه، بمب خوشه‌ای، اورانیوم تخلیه شده، کشتار بی‌شمار، انهدام بی‌منطق و بی‌هدف، فلاکت، حقارت و مرگ بردیم و نامش را گذاشتیم «ارمغان آزادی و دمکراسی برای خاورمیانه».
آدم باید چند انسان را بکشد تا به عنوان قاتل گروه‌های انسانی و جنایت‌کار جنگی واجد شرایط شود؟ یك صد هزار؟ به نظر من وقتی که «بیش از حد لازم» بکشد. از همین‌رو، به منظور اجرای عدالت، بوش و بلر باید در دادگاه جنایی بین‌المللی محاکمه شوند. اما بوش، زیرك بود. او اصلا دادگاه جنایی بین‌المللی را به رسمیت نشاخت. او تهدید کرد که اگر قرار باشد سرباز و یا سیاستمدار آمریکایی به دادگاه کشانده شود، او ناوگان‌های دریایی را به جنگ خواهد فرستاد. اما تونی بلر، دادگاه جنایی بین‌المللی را به رسمیت شناخته و از همین‌رو، برای اجرای محاکمه در دسترس است. اگر دادگاه بخواهد ما می‌توانیم آدرس او را بدهیم. آدرسش هست خانه شماره ۱۰ داونینگ استریت، لندن...
ایالات متحده، در سراسر جهان، دارای ۷۰۲ پایگاه نظامی در ۱۳۲ کشور است، که البته سوئد در این میان استثنایی ارجمند است. ما دقیقا نمی‌دانیم که آن‌ها چگونه به آن‌جا راه پیدا کرده‌اند، اما به هر رو آن‌جا هستند.
ایالات متحده دارای ۸۰۰۰ موشك اتمی دایر و فعال است. ۲۰۰۰ تا از آن‌ها در حالت آماده‌باش قرار دارد و فوری می‌تواند، در عرض ۱۵ دقیقه، پرتاب شود...
هزاران هزار انسان در ایالات متحده، اگر نه میلیون‌ها انسان، بنا بر شواهد، از دولت خویش شرمگین و خشمگین هستند، اما اوضاع نشان می‌دهد که آن‌ها قدرت سیاسی یگانه‌ای را به نمایش نمی‌گذارند، هنوز نه. اما باز هم نگرانی، نبود امنیت و ترسی که ما هر روز در ایالات متحده شاهد رشدش هستیم، ناپدید نخواهد شد...
هنگامی که به آینه نگاه می‌کنیم، می‌پنداریم تصویری که از ما منعکس می‌شود، حقیقی است. اما اگر یك میلی‌متر حرکت کنیم، تصویر دگرگون می‌شود. ما در واقع تنها انعکاس بی‌نهایت تصاویر را می‌بینیم. گاهی نویسنده باید آینه را بشکند. زیرا حقیقت در آن‌سوی آینه، به چشمان ما خیره می‌شود.
من بر این باورم که با وجود همه تضادها، ناهمخوانی‌ها و پدیده‌های غریب در واقعیت _بنا بر اراده سخت، انحراف‌ناپذیر و گریزناپذیر روشنفکری_ وظیفه حیاتی ما پدیدار می‌شود. ما به عنوان شهروند باید حقیقت واقعی را در زندگی‌مان و در جامعه‌مان تعریف کنیم و نشان دهیم. این وظیفه، به ناگزیر، امری ضروری است.
اگر این اراده در رویای سیاسی ما تجسم نیابد، امیدی به برگرداندن آن‌چه که تقریبا از کف داده‌ایم، نیست، یعنی همانا شرف انسان.

۳۰دسامبر ۲۰۰۵

* توضیح: خلاصه‌ای از این مطلب، در نشریه جهان امروز ۱۶۳ به چاپ رسیده است.